

تغییر توازن نیروها - آرزوی امریکا، که هرگز تحقق پذیر نیست

امام خمینی: هر کس از افراد ملت، اسلحه را کنار بگذارد و بیاید در ملت وارد بشود،... آنها را می پذیریم

ساده اندیشی است که ماکان کنیم که باید همه اینها که تخصص دارند، هر طور که می خواهند باشند، باید بیایند و ما از شان استفاده کنیم.

امام خمینی از جمله گفتند: «... ساده اندیشی است که ما گمان کنیم که فقط تخصص میزان است و علم میزان است. علم الهی هم میزان نیست، علم توحید هم میزان نیست. علم قه یقه در صفحه ۴»

امام خمینی، رهبر انقلاب و بنیان گذار جمهوری اسلامی ایران روز پنجشنبه ۱۸ دی ماه در برابر گروهی از دانشجویان تربیت معلم شهرستانهای مختلف کشور، یازدهم آبان کردند.

در این روزها امریکا، ضمن تهدید به اقدام نظامی مستقیم علیه ایران و تدارک این اقدام نظامی، تمام امکانات خود را یکبار گرفته، تا در داخل ایران، همه نیروهای ضد انقلابی بالقوه را بسیج کند، تا شاید بتواند با یک عمل هم آهنگ داخلی و خارجی، انقلاب ایران را بشکند و به مقصود خود - بازگرفتن ایران - دست یابد. در مورد ایراد ضربه نظامی از خارج، سخنگویان امپریالیسم هار امریکا (از ریگان و کارودسته دولت جدیدش گرفته، تا باصلاح ناظران و مفسران سیاسی در دستگاه تبلیغاتی امپریالیسم) در روزهای

آخر، با وقاحتی بیش از هر وقت دیگر، اظهار نظر کرده اند و حتی بطور مشخص سخن از احتمال (و گاه از ضرورت) - مین - گذاری آبهای جنوبی ایران، اشغال جزایر سه گانه تنبها و ابوموسی در دهانه آبراه هرمز، تصرف جزیره خارک و... را به میان کشیده اند، ظاهرا بعنوان وسیله ترساندن جمهوری اسلامی ایران (که میدانند عیت است) ولی باطنی یهود منظور: اولاً آمادگی کردن روحیه مردم جهان سرمایه داری (ضمن تشجیع آنها) تا اقدام نظامی امریکا علیه ایران را امکان پذیر تلقی کنند و آنرا یقه در صفحه ۴



دوره هفتم، سال دوم، شماره ۴۱۵
شبه ۲۰ دی ۱۳۵۹، مطابق با
۳ ربیع الاول ۱۴۰۱، بها: ۱۵۰ ریال

واقعیتی که بارها به آزمایش در آمده است

تجهیز پاسداران انقلاب،

تجهیز انقلاب در مقابل توپخانه های امپریالیسم امریکا و ضد انقلاب است

اکنون که قریب به ۴ ماه از یورش سفاکانه ارتش صدام حسین بر زمین انقلابی ما میگذرد هیچکس در این واقعت تردید ندارد که توطئه شوم امپریالیسم امریکا را، که بدست کارودسته صدام حسین عملی گشت و هدف آن انهدام انقلاب و جمهوری اسلامی ایران بود، خلق انقلابی و فرزندان مسلح جانبازش عقیم گذاردند. در این حاسمه رومت، نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران، نقش نمایان و برجسته ای داشتند و علی رغم کسستی ها و نارسائیهای که در میزان آمادگی، تجهیزات و سازماندهی آنها وجود داشت و علی رغم وجود کمرنگی ها، هائی که مقدمات مسئول نیز بر آنها تکمیل شده و تمامی اینها نقش مهمی در تحریک ساجراجوشی جانبازان صدام حسین داشتند. با اینزر و فداکاری بی مانند، طرح امپریالیسم امریکا و رژیم جنایتکار صدام را در پیشروی سریع، تسخیر خوزستان و تبدیل آن به پایگاهی برای یورش گسترده تر علیه انقلاب ایران، به شکست کشانند.

امپریالیسم امریکا و رژیم صدام حسین، با استفاده از گروه های ضد انقلابی در داخل، از ابتدای انقلاب به ایجاد ناراضی در میان مردم خوزستان و کردستان نسبت به جمهوری اسلامی ایران و رهبری انقلاب اشتغال داشتند و از طریق عوامل مزدوران خویش، از دوسو بر آتش خصومت و بدبینی ناروا میان مردم این نواحی و جمهوری اسلامی ایران، نفت می ریختند، با تکیه بر این تصور باطل که اعراب خوزستان و کرد های کردستان، آنها را بر جمهوری اسلامی ایران ترجیح خواهند داد و بر اساس این بنیاد بر پایه، که گویا جمهوری اسلامی ایران و نیروهای مسلح آن قدرت مطلقه با تجاوزگران ران خواهند داشت، کم به خاک ایران نهادند. اما واقعت یکسلی خلاف محاسبات آنها از کار درآمد. خلق قهرمان ما، به انقلاب خود وفادار ماند و بسا تمام نیروی پهلوانی خود در مقابل متجاوزین قدر افراشت و قیمت خون گروهی یقه در صفحه ۷

در ادامه هجوم نیروهای انقلاب بمتجاوزین:

نیروهای انقلاب مواضع دشمن را در گیلانغرب، از زمین و هوا زیر آتش گرفتند

نیروهای انقلاب در ادامه یورش خود به دشمن متجاوز ضربات جدیدی بر آنها وارد آوردند و به پیشرفتهای دیگری دست یافتند. ستاد مشترک ارتش جمهوری اسلامی ایران در اطلاعیه ۳۶۸ خود قسمتی از عملیات نیروهای انقلاب را در روز ۱۸ دی، اعلام کرده است. در این اطلاعیه از جمله آمده است: ۱- در جاده مامشهر - آبادان با اجرای آتش موثر بر مواضع نیروهای صدام مزدور ۴ دستگاه تانک، ۶ دستگاه خودرو، یک قبضه توپ ضد هوایی و ۴ سنگر دشمن منهدم شد و حدود ۴۸ تن از نفرات دشمن به هلاکت رسیدند. ۲- رزمندگان ارتش جمهوری اسلامی ایران در جاده دارخوین - مارد ۲ قبضه توپ خمسه خمسه، ۳ سنگر تانک و یک دستگاه خودروی دشمن را به آتش کشیدند و تعداد ۵ تن از افراد ارتش عراق را به هلاکت رساندند. ۳- با مبادی دیروز یک فروند هلی کوپتر هوا - نیروی مورد حمله ۲ فروند میگ عراقی قرار گرفت که به ملخ هلی کوپتر آسیب وارد شد و هر دو خلبان نیز در هوا هلی کوپتر سزم هستند. ۴- در منطقه اهواز بر اثر تیراندازی توپخانه نیروی زمینی ارتش جمهوری اسلامی ایران محل استقرار سکوی پرتاب موشک ارتش عراق منهدم و ۲ دستگاه کامیون حامل مهمات موشک ملعمه حریق شد. همچنین در یکی از جبهه های جنوب یک سنگر توپ ۲۳ میلی متری دشمن یکسلی نابود شد. ۵- نبرد در جبهه های کرخه با تبادل آتش ادامه دارد. در این جبهه ۲ تن از هموطنان غیر نظامی شهید شدند و یک تن دیگر نیز

مجزوع شد. همچنین در منطقه سوار در اثر اجرای آتش توپخانه دشمن متجاوز، یک تن از پرسنل جانباز ارتش اسلام شهید و یک تن مجروح شد. ۶- بر ریز (۱۷ دی) هواپیماهای دشمن به مناطق

«پرسش و پاسخ»
نورالدین کیانوری

درباره توپخانه های جدید و خطرناک امپریالیسم امریکا باید بیش از پیش هشیار و متحد بود!

در صفحات بعد

زندگی نوین در کامپوچیا
صفحه ۸

خلق السالوادور در راه آزاد کردن خود از اسارت امپریالیسم امریکا به پیش می رود
صفحه ۶

شگرد فتودالها برای جلوگیری از اجرای قانون اصلاحات ارضی چیست؟
صفحه ۵

کارگران موزائیک کار بوشهر:
تا آخر با امریکا مبارزه می کنیم
صفحه ۴

خواب کن، حمله نظامی کن!

بار دیگر حربه زنگزده امپریالیسم امریکا بکار افتاده است. در همان حال که امپریالیسم امریکا آشکارا به ایران جنگ و دندان تکان میدهد و مقامات مسئول کشور خیر از تدارک حمله مستقیم نظامی امریکا به ایران میدهند، امپریالیسم امریکا برای منحرف کردن نظر مردم از خطر اصلی، بار دیگر خطر موهوم «شوری» را تبلیغ می کند. این همان سیاست قدیمی «خواب کن، کودتاکن» است؛ که حالا بصورت «خواب کن، حمله نظامی کن»، به سناریوی روز محافل امپریالیستی تبدیل شده است. کسانی هم در ایران - دانسته و ندانسته - به اجرای این سناریو کمک می کنند.

فرمان از ستاد مرکزی امپریالیسم
«ایران یک همسایه شمالی (شوری) دارد، که بیوسته از جنبه های تاریخی و سنتی، تهدیدی برای حاکمیت ایران بوده است.»
(برژینسکی - اطلاعات - ۸ دیماه ۱۳۵۹)

اجرا توسط مزدوران

مار آذربایجان گزارش میرسد که روسها دست به نقل و انتقال نگران کننده نیروهای خود در مرز ایران زدند و طی روزهای اخیر لشکرهای تازه ارتش سرخ را در اطراف مرزهای ایران مستقر کرده اند. این گزارشها حاکی است که هواپیماهای شوروی چندین بار وارد آسمان ایران شده و مأموریتهای جاسوسی انجام داده اند. ارتش شوروی همچنین پل های فلزی بر روی رود مرزی آرس نصب کرده است.
(راديو بختيار - شنبه ۱۳ دیماه ۱۳۵۹)

«روسیه در مرزهای ما: هواپیماهای جاسوسی میفرستد، راهها را باز میکند، پل فلزی میزند، رفت و آمدهای مشکوک انجام میدهد، دستجات وابسته را سازمان میدهد... دولت جمهوری اسلامی باید با جدیت این امور را مورد تحقیق قرار دهد و بطور مستقیم و در مجامع بین المللی دست به افتخارگری و اعتراض بزند و مردم استقلالخواه و عزمیابین - دوست ما را برای دفاع بسیج نماید. سکوت در برابر این توطئه ها خیانت است...»
(رنجبر - ارگان گروهک امریکاییکن ساخته، درنجبران - ۱۴ دیماه ۵۹)

چه کسانی به کمک می آیند
شوروی بدین خیال که بمرور و با جنگ فرسایشی میتوانند خوابهای گذشته خویش را تحقق بخشد و به آبهای گرم دسترسی پیدا کند، با ادامه جنگ موافق است و بدان دامن میزند.
(میزان - شماره ۴۹)
در نظر اول چنین مشهود است که جنگ ایران و یقه در صفحه ۴

برای مبارزه با امپریالیسم امریکا، دشمن اصلی مردم ایران، متحد شویم!

تغییر توازن...

بینه از صفحه ۱

پذیرند و تأیید به ضد انقلاب «ایرانی»، به ویژه در داخل ایران، دل دهند، تسامحات و جسورتر عمل کند.

دموزد پیچ نیروهای ضدانقلابی داخل ایران، مشهود است که آمریکا در این اواخر، همه امکانات خود را برای استفاده از همه نیروهای که، بنحوی از انحاء، چاهگاهان و چه ناگاهانه، نمی خواهند یا نمی توانند یا انقلاب همگام باشند و برای راندن همه نیروهای قابل راندن به جبهه ضدانقلاب، مورد بهره برداری قرار داده تا سه نوبته روزنامه «تایمز» لندن - «توازن نیرو» را در داخل ایران بسود جبهه ضدانقلاب و یزدان جبهه انقلاب، «تغییر» دهد.

بدینسان، نقشه آمریکا برای شکستن انقلاب ایران روشن است و دو طرف دارد: از یکسو تغییر دادن «توازن نیرو» در داخل ایران بسود ضدانقلاب، و از سوی دیگر ایراد ضربه نظامی از خارج. این نقشه بطور کلی تازگی ندارد، ولی بطور مشخص تازگی آن در اینستکه، علنا اعلام میشود، آتم بدلیل اینکه آمریکا چارهای نمی بیند، جز آنکه «به سیم آخر» بزند.

نقشه بطور کلی تازگی ندارد، از همان فردای پیروزی انقلاب بزرگ و شکوه مند ایران، حتی قبل از آن، در آنچه که انقلاب سرعت تضییع میگردد، آمریکا کوشید که از یکسو یا بکار بستن انواع شیوهها، آرایش قوا، یا «توازن نیرو» را بسود ضدانقلاب «تغییر» دهد، و از سوی دیگر به تدارک نظامی پرداخت، تا اگر نتواند (قبل از پیروزی انقلاب) حرکت انقلاب را از «بستر» خود خارج کند، و یا (بعد از پیروزی انقلاب) آنرا مسخ کند و یا ایراد ضربه نظامی آنرا بشکند. از روی همین نقشه کلی بود که قبل از پیروزی انقلاب، آمریکا برای «تغییر توازن نیرو» بسود ضدانقلاب، و عدم «فضای باز سیاسی» را مطرح کرد، «مرغ طوفان» یا «سوسیال-دموکراسی» اش، را بر روی صحنه آورد و ضمناً، بنابه اشرافات سولیوان، سفیر سابق آمریکا در ایران، در کار تدارک ایراد ضربه نظامی بصورت کودتای خونی بود، بعد از پیروزی انقلاب نیز - چنانکه میانیم نقشه آمریکا برای درهم شکستن انقلاب ایران همیشه دو طرف داشته است: از یکسو کوشیده است با کارشکنیها توسط ضدانقلاب متشکل، یا استفاده از سازشکاری بورژوازی لیبرال ایران، یا ایجاد یلواها و شورشیهای ضدانقلابی، یا ایجاد دشواریهای اقتصادی و مالی، از طریق محاصره اقتصادی و بلوکه کردن دارائیهای ایران در خارج، برای دامن زدن به بیگری و تورم و گرانی و ایجاد نارضایتی، با تبلیغات عنان گسیخته علیه انقلاب ایران و ...

«توازن نیرو» را بسود ضدانقلاب در داخل ایران «تغییر» دهد، و از سوی دیگر هوازه درصدد برآمده است که با اقدام نظامی بصورت های گوناگون: تهاجم ماجراجویانه نظامی طیس، کودتای نظامی ۱۸ تیرماه و بالاخره حمله گسترده ناگهانی داروسته صدام، انقلاب ایران را بشکند و جمهوری

اسلامی ایران را براندازد. پس نقشه آمریکا، که اخیراً اعلام شده و مشتمل بر «تغییر توازن نیرو» در داخل ایران بسود ضدانقلاب و ایراد ضربه نظامی مستقیم از خارج است، بطور کلی تازگی ندارد. ولی تازگی آن بطور مشخصی در اینستکه، در داخل ایران، آمریکا تمام «ذخائر» ضدانقلابی خود را بکار گرفته، تا «توازن نیرو» را بسود ضدانقلاب برهم زند، و از خارج نیز ضربه نظامی باید بصورت یک حمله مستقیم نظامی آمریکا (و یا یک حمله گسترده نظامی توسط دولتهای دست نشانده منطقه ای) انجام گیرد.

شکست این نقشه در خود آن مستتر است، زیرا این نقشه وقتی تحقق پذیر است که در دو عرصه، هم در داخل و هم در عرصه منطقه ای (و دقیق تر، در عرصه بین المللی) «توازن نیرو» بسود آمریکا تغییر کند، که هر دو را آمریکا میتواند آرزو کند و میتواند در راه رسیدن به آنها بکوشد و خود را به آب و آتش بزند، ولی هیچیک از آنها را نمیتواند تحقق بخشد.

«تغییر توازن نیرو» بسود ضدانقلاب، در داخل ایران، امکان پذیر نیست، زیرا انقلاب بطور کلی در ایران رویه تمیق است. تمیق انقلاب، یعنی تصرف تدریجی مواضع سرمایه داری بزرگ و وابسته و زمین داری بزرگ و نیز تصرف مواضع بورژوازی لیبرال سازشکار ایران، که دیگر خود را بصورت «جاده صاف کن» ضدانقلابی آمریکا معرفی کرده است و در نتیجه، دیگر نمیتواند نقش «بل» میان انقلاب و ضدانقلاب را ایفاء کند. همین تمیق انقلاب باعث شده که ضدانقلاب به جنبه و جوش بیشتری بپندد، یعنی جنب و جوش ضدانقلاب، نه نشانه قدرت ضدانقلاب، بلکه نشانه ضعف بیشتر آنست. یعنی «توازن نیرو» نه بسود ضدانقلاب، بلکه بسود انقلاب هوازه رو به «تغییر» است و نه برعکس. یعنی توده های میلیونی زحمتکشان و مستضعفان شهر و ده هوازه باسوق قشرده تر و اراده مصممتری در جبهه انقلاب قرار میگیرند و نه برعکس. یعنی جبهه ضدانقلاب بدلیل احساس فراسپیدن روزشکست قلمی و نهائی خود، فضا تر و هارتز شده است و نه برعکس. یعنی آرزو و تلاش آمریکا برای تغییر «توازن قوا» بسود ضدانقلاب، آرزو و تلاش بی بنی است.

«توازن نیرو» در منطقه (دقیق تر، در عرصه بین المللی) نیز دیگر هرگز بسود آمریکا (امریالیسم، سرگردگی آمریکا): «تغییر» نخواهد کرد. البته جناح های جنگ طلب و جنگ افروز امریالیسم، سرگردگی آمریکا، میتواند تشنج بیافریند، میتواند مسابقه تسلیحاتی را دامن زند، میتواند میلیاردها بر میلیاردها دلار به بودجه نظامی بیافزاید، میتواند برای راندن مجدد جهان به دوران «جنگ سرد» تلاش کند، ولی هرگز نخواهد توانست «توازن نیرو» را بسود خود «تغییر» دهد. «توازن نیرو» که بعد از جنگ دوم جهانی بمدت نزدیک به ۲۰ سال بسود امریالیسم، سرگردگی آمریکا، بود بتدریج به یزدان امریالیسم تغییر کرد، بدلیل اینکه از یکسو کشورهای سوسیالیستی، و در پیشاپیش آنها اتحاد شوروی، پس از ترمیم خرابیهای جنگ،

در راه رشد موزون و سریع وی بحران خود گام نهادند و در این راه شتابان به پیش رفتند؛ جنبشها و انقلابهای آزادیبخش ضد امریالیستی گسترش یافتند؛ دهها کشور زنجیر اسارت استعماری را گسستند و در راه رشد مستقل گام نهادند؛ جنبشهای کارگری در سراسر جهان سرمایه داری توسعه بر سابقه یافتند و کازاتر بنه در سرمایه انحصاری امریالیستی پوزش بردند. این روند رشد توانائی روزافزون جبهه ضد امریالیستی جهانی هوازه پائینتری جریان دارد، و از سوی دیگر، سرمایه داری امریالیستی، پس از مدت کوتاهی که بعد از جنگ «انترناتی خوانده»، یا به مرحله سوم بحران عمومی موزون خود نهاده، که هر روز عمیق تر شد و عمیق تر میشود و مظاهر آن در بیگاری میلیونها زحمتکش، در تورم روزافزون، در گرانی کمر شکن بر برای زحمتکشان، در نیازمندیهای روزافزون مسکن، بهداشت، آموزش و غیره - که در سرمایه داری امریالیستی بر آورده شدنی نیست - در گنداب عنن سیاست دولتهای امریالیستی، در «حقوق بشر» نوع امریکائی، در نظامیگری انصار گسیخته، در جنگ افروزی - های ددمشانه، در چهره فاشیستی «دموکراسی» غربی، بویژه امریکائی، در انحطاط بر سابقه اخلاقی، در افزایش حیرت انگیز جنایتکاران و جنایتکاری و ... مشهود است. «توازن نیرو» بنحوی بر - برکت و برای همیشه یزدان امریالیسم، سرگردگی آمریکا، «تغییر» کرده و هیچ تلاش مذبحخانه ای قادر به تغییر مجدد آن به عقب نیست.

پس نقشه آمریکا بر مبنای دو آرزو طرح شده: یکی «تغییر توازن نیرو» در داخل ایران و یکی «تغییر توازن نیرو» در خارج از ایران، که هیچکدام امکان پذیر نیست.

ولی آیا، با این وجود، میتوان خطر آمریکا را منتفی دانست؟ نه، نمیتوان! تجربه، بویژه در دوران اخیر، نشان داده است که ماجراجویی هوازه بیشتر به خطه مسلط در سیاست امریالیسم آمریکا بدل شده است؛ یعنی آمریکا معمولاً آرزوهای خود را بجای واقعیت میکندازد خود را به آب و آتش میزند، به سیم آخر میزند و مذبحخانه به تلاش بر میخیزد، تا «آب رفته را بجوی بازگرداند». لذا ما باید آماده باشیم، همه جانبه آماده باشیم، بدون کمترین تعلل و مسامحه، بدون کمترین فوت وقت، چنان آماده شویم و آماده باشیم که اگر آمریکای جنایتکار دست خود را بر روی ما بلند کرد، دست او را، فرو نیامده، بشکنیم. و اگر چنین آماده شویم و آماده باشیم، چه بسا آمریکا جرات نکند که دست بر روی ما بلند کند؛ بخود بیچند، کمبردهان آورد، چون پلنگ زخم خورده بفرود و جنگ و دندان نشان دهد، ولی نتواند حمله ور شود.

در هر حال، ما باید چنان آماده باشیم که امریالیسم هار و جنایتکار آمریکا - یا جرات نکند بر ما چنگ اندازد، و یا اگر انداخت، چنگالش شکسته شود. و چنان در آرد شکسته شود، که بگونه بعد از ویتنام، بمدت درازی، خود چنگال شکسته خود را از شدت درد و خشم بچود.

...متحد با ایست گشتن

آنکه خواهد نوجوان را لاله گون پیکر بسازد همسران را بیوه غمگین بی شوهر بسازد کودکان بی گنه را دور از مادر بسازد

آنکه خواهد خاک ما را جز غبار غم تبینند تا ز دشتستان خونین لاله تورس بچینند بعد قتل عام ما بر مسند قدرت نشینند

آنکه خواهد خاک ایران را به ویرانی کشاند جبهل و قفر و رنج را در میهن ما در نشاند تا سمند یخت را بر جان ما خوشتر براند

آنکه خواهد تا ز تاراج غنایم زنده باشد خودکند آقائی و ملت بی پایش بنده باشد پای او بر فرق ما، سر از تن ما کنده باشد:

حاضر رزم چنین خصمی بجلد بایست گشتن بر هجومش بی درنگی متحد بایست گشتن ع. کیلانپور

«باند قاسملو» ساواکیها را برای همکاری علیه انقلاب میپذیرد

است. نامبرده بعد از انقلاب، توسط «حزب دمکرات گرمستان» دستگیر میشود. ولی بعد از سه ماه موفق به فرار میگردد. علی پیرامی بعد از فرار، یا تعدادی از دستگانت خود را به سیاه پاسداران مستقر در «ات»، برای خدمت در کمیته معرفی میکند. وی بعد از دو ماه فعالیت در کمیته در تاریخ ۱۳۰۳/۰۹/۰۵، به همراه ۱۳ تن از همراهان، مخفیانه از کمیته فرار میکند و به «باند قاسملو» ملحق میشود. که البته یا استقبال گرم «باند قاسملو» مواجه میگردد.

علی پیرامی، مشهور به «علی خان بگ»، که مشخصات وی به عنوان ساواکی از طرف سپاه پاسداران و دادگاه انقلاب ستندج منتشر شده است، اخیراً به «باند قاسملو» پیوسته است، تا در عملیات ضد انقلابی و خرابکاری با آنان همکاری کند.

علی پیرامی، که از طایفه قتلوالهای «پیرامی» است، در رژیم طاغوت، مسئولیت نظامی مزدوران محلی را بر عهده داشته

خواب کن...

بینه از صفحه ۱

عراق یک فرصت طلایی برای اتحاد شوروی فراهم آورده است. شورویها در حال حاضر تنها نیروی خارجی یا قدرت هستند که در این منطقه از جهان برای دولت در جنگ پامیانجگری از پیش حاضر و میا گردیده اند. اگر فقط یکبار روسیه شوروی فرصتی برای ابتکار عمل داشته باشد، اکنون در خلیج فارس است. (همانجا)

«راستی بیش از یک قرن و نیم از معاهده های تنگین ترکمنچی و گلستان میگردد، بحرانی که در آن موقع در ایران بوده باعث از بین رفتن شیرازه های گشت که تمامیت ارضی کشور را حفظ میکرد. هجوم سازمان یافته قدرتهای شرق و غرب به ایران، ایرانی را از فکر و خلافت بازداشت و شد آنچه که شد، و از ممالک محروسه ایران نیمی بیش باقی نماند. درباره جمهوریهای اسلامی شوروی، که در زیر لوی کفر دست و پا میزنند، باید کاری کنیم.»

(از سرمقاله روزنامه انقلاب اسلامی ۸ دیماه ۱۳۵۹ - صفحه ۲، که با جمله «بدین امیده پایان می یابد»)

امام خمینی...

بینه از صفحه ۱

و فلسفه هم میزان نیست، هیچ علمی میزان نیست، آن علمی میزان است و آن علمی برای بشر سعادت است که تربیت در او باشد... ساده اندیشی است که ما گمان کنیم که باید همه اینها که تخصص دارند، هر طوری که می خواهند باشند باید بیایند و ما از شان استفاده کنیم. استفاده نمی توانیم بکنیم... اگر علم باشد و تزی که نباشد همان رژیم سابق پیش می آید و همین رژیم صدام. امام در پایان سخنان خود خاطر نشان کردند:

«من اعلام می کنم که هر کس از افراد ملت ما اسلحه را کنار بگذارد و بیاید در ملت ما وارد بشود مثل سایر افرادی که هستند، آنها در پناه اسلام محفوظ هستند ولی ما اینقدر ساده اندیش نیستیم که گمانی که اسلحه دارند و افاق جنگ دارند، آنها راهبر دارند و بکنیم در بین کشور خودمان و شغل به آنها بدهیم و معلمشان کنیم و یا در وزارتخانه ها ببریم. اسلحه داشتن دلیل بر خیانت است و توطئه... هر کس از این جناحهای داخلی که تاحالا شراکت کردند و مشغول شراقتند، دست بردارند و اسلحه را کنار بگذارند، و در دامن ملت وارد بشوند، آنها را می پذیریم.»

مجمع عمومی کادر آموزشی و اداری دانشگاه صنعتی شریف

توطئه گروه های ضد انقلابی علیه «جهاد دانشگاهی» را محکوم کرد

در قطنامه همچنین آمده است:

«مجمع خواستار رسیدگی فوری به انحرافات رژیتم سابق و افرادی که در جهت مخالفت با انقلاب اسلامی توطئه نموده و به لفاظیهای هکرانی را از خدمت به انقلاب و میهن باز داشته اند بوده و خواستار طرح هر چه سریعتر این افراد از جامعه دانشگاهی می باشد.»

مجمع لزوم مشارکت هر چه بیشتر دانشگاهیان را در امر برنامه ریزی و بازسازی صنایع حیاتی مملکت مورد تأیید قرارداده، از ریاست دانشگاه می خواهد در چهار چوب مصوبات قانونی نسبت به صدور احکام کادر آموزشی در سازمانها و ارگانهای مورد نیاز مملکت اقدام نماید.»

بدینال اغتشاشات اخیر دانشگاه صنعتی شریف از سوی گروه های مشکوک و ضد انقلابی علیه «جهاد دانشگاهی» این دانشگاه، و در حقیقت زمینه سازی برای درگیری و تشنج در تمامی دانشگاههای ایران، مجمع عمومی کادر آموزشی و اداری این دانشگاه، جلسه ای در تاریخ ۱۸ آذر ۵۹ تشکیل داد و با صدور قطنامه ای، این فعالیت های مخرب را محکوم کرد.

قطنامه ارجله خاطر نشان می سازد:

«مجمع عمومی مخالفت با جهاد دانشگاهی را نمونه ای از توطئه های آشکار و پنهان به نحوی که گروه های ضد انقلاب بر علیه ارگانهای انقلابی می دانند توطئه های ترقه افکنانه ای را که در این زمان سر نوشت ساز ترگونه و کنار مملکت تدارک دیده می شود، محکوم می کند.»

روز ۱۱ دیماه سال ۱۳۵۹ جلسه معمولی پرسش و پاسخ با حضور رفیق کیانوری دبیر اول کمیته مرکزی حزب توده ایران برگزار شد. رفیق کیانوری به پرسشهایی که شرکتکنندگان در جلسه پیرامون مسائل گوناگون مرحله کنونی انقلاب مطرح کردند، پاسخ گفت.

بخش اول و دوم این پرسش و پاسخ در شمارههای گذشته چاپ رسید و بخش آخر در شماره امروز درج می شود.

س: لنین می گوید خیلی جاهلانه است اگر فکر کنیم ما می توانیم بدون کمک متخصصین بورژوازی به بازسازی بپردازیم (کنگره نهم در سال ۱۹۲۵). در همین تاریخ هزارها متخصص بورژوا در خدمت بودند که برخی از آنها حتی جواز دولتی گرفتند.

ج: در نظر من شرطی، که در مقاله ای در باره دانشگاه وازدانشجویی در نامه "مردم" (۲۹۵) درباره استخدام استاد آمده است، یعنی ایمان به انقلاب، شرط زایدی است. زیرا ما معتقدیم که جامعه نقش عمده در تربیت افراد دارد. اگر زمینه و شرایط جامعه آماده باشد افراد می توانند در خدمت جامعه قرار گیرند و لزوماً دلیل ندارد مومن به انقلاب باشند. همین که بسیاری از افراد دارای عرق ملی هستند و کشور خویش را دوست دارند کافی است که با کنترل کردن آنها از ایشان استفاده کرد، و این که صرفاً اینها مغز "غربی" دارند و اگر رفتند بهتر، ما آنها را نمی خواهیم، برخورد درستی نیست. لطفاً به این سؤال جواب بدهید.

ج: در پرسش و پاسخهای گذشته و در نشریات حزب، ما موضع خود را درباره مسئله تخصص و ایمان روشن کرده ایم. نظر ما مطابق نظر کسانی نیست که فقط یکی از این دو جهت را می گیرند و روی آن تکیه می کنند و برای جهت مقابل ارزشی قابل نمی شوند. البته ما در این جا مسئله را، مثل بعضی ها، این طور مطرح نمی کنیم که هر کس متخصص بود، "ضد انقلابی" است، ما معتقدیم که در این زمینه بین ضد انقلاب، نیروهای بینابینی و نیروهای انقلابی باید تشخیص درست داد. دست نیروهایی که در انقلابی را باید، از هر جایی که بتوانند صدمه به انقلاب بزنند، کوتاه کرد. نیروهایی که هستند بینابینی، یعنی به انقلاب اعتقادی ندارند، نه دلشان هم شاید بخوانند که اوضاع ایران به این شکل ادامه پیدا نکند و عوض شود. بسیاری از روشنفکران ما که در دانشگاهها بودند، تئوریستین می کردند و بسیاری از افراد و گروهها و تشکلهای مرفه جامعه ما در چنین موضع گیری سیاسی - اجتماعی هستند. ولی به طور فعال اقدامی علیه انقلاب انجام نمی دهند. حتی در شرایط بحرانی هم آماده نیستند که به طور فعال علیه انقلاب سینه جوی کنند. از این نیروها باید در کار باز سازی جامعه ما و اقتصاد ایران حتماً استفاده کرد. این نیروها رانمی شود به دور انداخت، به عنوان این که: شما حتماً باید کاملاً معتقد به انقلاب باشید، تا این که به شما اجازه بدهند بروید مثلاً نقشه ساختمان خانهای را بکشید، یا این که طبابت بکنید، یا این که درس ریاضیات، شیمی و فیزیک بدهید، یا این که در بیمارستان پرستاری کنید. ما این برخورد را نادرست و غیر انقلابی می دانیم. این عبارت است از دور کردن "مغز" نیروی قابل توجهی که می تواند کارهای مثبت اجتماعی انجام بدهد، ولی البته ما جداً معتقد هستیم که تمام مسئولیت های گرهی و حساس باید در دست نیروهای باشد که به انقلاب ضد امپریالیستی و مردمی ما اعتقاد دارند. چون آنجا حساب تصمیم است. آنجا حساب این است که تصمیم نگرستن می تواند در این جنبه صدمه ای خیلی زیاد بزند. حساب اجباراً نیست. اجرا را می شود کنترل کرد. ولی تصمیم درست گرفتن یا نگرستن را به آسانی نمی شود کنترل کرد. به همین دلیل است می بینیم که حتی پس از انقلاب اکثر دولت انقلابی در جنگهای داخلی از افسران تزاری استفاده می کرد ولی برای این که مبادا تصمیم غلط بگیرد، جنب او را یک کمیتر سیاسی می گذاشتند. یعنی تخصص و ایمان را با یکدیگر ترکیب می کردند.

البته چارچوبی را که ما برای افراد مومن به انقلاب قابل هستیم با چارچوبی که قشرها، بعضی از مسئولان دولتی و برخی دیگر از نیروهای موثر در جمهوری اسلامی قبول دارند، تفاوت دارد. ما معتقد هستیم که اعتقاد به انقلاب ما و به نظام جمهوری اسلامی، به قانون اساسی، اعتقاد صمیمانه و صادقانه بدون در نظر گرفتن ایدئولوژی افراد، بدون در نظر گرفتن سبک گیری سیاسی - سازمانی آنها باید برای واگذاری مسئولیت های سیاسی کافی باشد. البته رهبری کنونی جمهوری اسلامی تصمیم گرفتند که سمت های اساسی و درجه اول مانند وزارت و معاونت و نامزد بمانند افراد مکتبی واگذار شود، این را می شود قابل فهم دانست، در عین حال که ما عقیده داریم که هستند نیروهای بسیار سالم و معتقد به جمهوری اسلامی و خارج از این چارچوب که می توانند لاف اقل همان قدر برای جمهوری اسلامی و امر بازسازی مفید واقع شوند.

در این مسئله فعلاً تا وقتی که جنبه متحد خلق تشکیل نشده است، تا وقتی که این درک برای نیروهای اسلامی مسئول پیدا نشده است که می شود این چارچوب را وسع داد (همان طور که در کشورهای سوسیالیستی هم عده قابل توجهی از مسئولین از افرادی هستند که ایدئولوژی حزب حاکم بر کشور را ندارند) که کار دیگری نمی توان کرد، ولی امید ما این است که ما نیز به چنین جایی برسیم، فراموش نکنیم که در کشورهایی مثل الجزایر و بویژه سوریه هم خارج از چارچوب ایدئولوژی حاکم و مسلط، مسئولیت های اجرایی سیاسی مهمی به نیروهای دیگری هم کماحقه در جهت انقلاب عمل می کنند و اگذار می شود.

بنابراین ما با این محدودیتی که برای انتخاب متخصصین به عنوان افراد مسئولیت دار، قابل می شوند، موافق نیستیم. در عین حال که به هیچ وجه ما آن چارچوب لیبرالی دولت کام به کام، که به این جا ختم شده که آقای ایزدی بزرگ مالک با آن نامه کنایه ای، وزیر کشاورزی بشود، موافق نیستیم، معتقدیم که حتی از لیبرال ها می توان در برخی زمینه های اجرایی به عنوان متخصص استفاده کرد، البته به شرط آن که فعالیت آنها به قدرت کنترل شود.

س: در روزنامه های حزبی از شعار افزایش تولید حمایت می شود، با توجه به این که ساختار جامعه کنونی ایران سرمایه داری است و افزایش تولید به معنای افزایش سود خواهد بود، گروهها و احیاناً کسان دیگری از این پدیده به عنوان مستمسکی برای حمله علیه حزب توده ایران استفاده می کنند. نظر شما در این باره چیست؟

ج: در مورد این به اصطلاح "گروهها"، اینها از هر بهانه های برای حمله به حزب توده ایران استفاده می کنند، اما بپردازیم به افراد سالی که در این باره صادقانه اشتباه می کنند، ببینید ما در شرایط محاصره اقتصادی بزرگترین دشمن استقلال و آزادی نه تنها ملت خود، بلکه تمام بشریت قرار گرفته ایم. صحت عملی که ما انجام می دهیم از این جا معلوم می شود که آیا عمل دشمن را خنثی می کند یا نه؟ این محک بهترین محک سنجش است. علاوه بر این برای پیدا کردن راه حل برای چنین مسائلی بهتر است، همیشه باید از کل به جزء برویم و نه برعکس. در صورت اخیر، به این نتیجه غلط خواهیم رسید که چون حاجی فلاں در اس فلان کارخانه قرار دارد و تولید بیشتر تنها سود بیشتری را به جیب او سرازیر می کند، بنابراین افزایش تولید به ضرر طبقه کارگر است. ولی اگر بگویم که مسئله انقلاب ایران و از آن جمله مسئله نبرد طبقه کارگر برای محدود کردن سرمایه داری، قطع وابستگی اقتصادی به امپریالیسم و پایه ریزی اقتصادی

در برابر توطئه های جدید و خطر ناک امپریالیسم آمریکا باید بیش از پیش هشیار و متحد بود!

نورالدین کیانوری
پرسش و پاسخ



- از متخصصین به شرط آن که علیه انقلاب اقدام نکنند، با نظارت دقیق مسئولان مؤمن به انقلاب بر فعالیت اجرایی آنها، می توان استفاده کرد
- در شرایط کنونی که سرمایه داران بخش خصوصی، کارگران را استثمار می کنند، شعار ضرورت افزایش تولید از نظر اصولی چه توجیهی می تواند داشته باشد؟
- آیا امکان گشایش جبهه جنگ تازه ای از سوی امپریالیسم تجاوزکار آمریکا علیه ایران وجود دارد؟
- باز هم درباره مسئله چگونگی موضع گیری های طبقاتی

سرنوشت انقلاب بیمناک شده اند. در این تردیدی نیست. ماحضی درگفته های شخصیت های برجسته جمهوری اسلامی نیز این نگرانی را احساس می کنیم و می بینیم. آثار توطئه امپریالیسم کاملاً دیده می شود، تدارکات برای توطئه های تازه هم کاملاً دیده و حس می شود. اطلاعات دقیقی می رسد در باره این که ضد انقلاب خیلی فعال شده، خیلی جسور شده، خیلی با بی خرمی عمل می کند. امپریالیسم هم از مرحله گول زدن و شیرینی نشان دادن به مرحله نشان دادن دندان تیز زهرآلود خود قدم گذاشته است و تهدیدات خیلی جدی می کند. خوب این نگرانی هست.

از طرف دیگر، اختلافاتی که در مقامات بالای جمهوری اسلامی وجود دارد، یعنی به طور روشن در بین آقای رئیس جمهور از یک سو و هیات دولت و اکثریت مجلس از سوی دیگر اختلافات خیلی جدی و عمیق وجود دارد. با وجود رهنمودها و هشدارهای مکرر امام برای این که نامبرداران این اختلافات را کنار بگذارند و همه در جهت تعاضد قدم بردارند، ما می بینیم که هیچ اثری از حتی تخفیف این اختلافات به چشم نمی خورد. بنابراین این نگرانی به جا است. ولی آیا این نگرانی تا این حد است که ما نسبت به سرنوشت انقلاب جدا نگران باشیم؟ سؤال کننده می داند که ما نسبت به خط امام نیست، ما چنین عقیده ای را نداریم و نمیتوانیم با چنین قاطعیتی بگوئیم که ارتش در خط امام نیست، واقعیت مسلم این است که در داخل ارتش عناصری هستند که در خط امام نیستند، این عناصر ممکن است که حتی مسئولیت های مهمی هم داشته باشند، در کار در فرماندهی ارتش و در میان افسران، نمایانگر لیبرالی و حتی تمایلات منقی تزاری تمایلات لیبرالی وجود دارد و این واقعیتی است که نمی شود آن را منکر شد. همین که نماینده امام در شورای عالی دفاع، حاجت الاسلام خانهای، بطور صریح گفته است، که خیانتها وجود دارد، هم کاریها وجود دارد، سستی وجود دارد و مقداری از آنها ممکن است که حتی آگاهانه هم باشد، خوب این نشان می دهد که این عامل منفی هست.

ولی این که این عامل به عامل تعیین کننده تبدیل شده است، ارتش بجز در دست این گونه عناصر است و می تواند در جهت هدف های آنها وارد عمل شود و آنقدر انجام دارد که بتواند نیروهای مقاومت را متشکل از مردم و پاسداران را که الان وجود دارند قطع و قطع بکند، ما با چنین دیدی، با چنین ارزیابی موافق نیستیم. ما معتقد هستیم که با وجود چنین عناصری در ارتش یا در یک سطح دیگری از ارتش در مجموع خود به هیچ وجه در راه مخالف خط امام نیست، بلکه اگر سرمایه داران درجه داران را در مجموع خود به عنوان ارتش قضاوت کنیم، ما معتقد هستیم که حتماً چنین چیزی نیست، ممکن است که این جا و با آنجا گروه های هیتی بتوانند به اقدامات ماجراجویانه ای دست بزنند، ولی به این که ارتش در مجموع در جهت مخالف خط امام وارد یک عمل ماجراجویانه ضد انقلابی بشود، به نظر ما چنین امکانی وجود ندارد. به نظر ما نیروهای مدافع جمهوری اسلامی و انقلاب آن قدر که این برادرش سوال کننده نگران است، ضعیف نیستند.

در همین هفته های اخیر دو تظاهرات، یکی در روز عاشورا و دیگری در روز ارجمین انجام شد، که قدرت وسیع خلق را نشان داد. خیلی ها این طور می خواستند وانمود کنند که تظاهرات روز عاشورا در واقع تظاهرات نیروهای بوده است که در جهت مخالف خط امام قرار داشتند. یعنی همه هوادار محتوای همان سخنرانی بودند که در روز عاشورا انجام گرفت. جریان ارجمین نشان داد که این درست نیست. درست است که مقداری از نیروهایی که در روز عاشورا شرکت داشتند و در جهت سستی به آن رنگ دادند در جریان ارجمین شرکت نکردند. ولی جریان جمع ارجمین نشان داد که آن حساب روز عاشورا، حساب درستی نبوده است. مسلم این است که لاقط قسمت خیلی بزرگی از آن کسانی که در تظاهرات ارجمین شرکت داشتند در تظاهرات روز عاشورا هم شرکت کردند و این طور نیست که در نیروی کاملاً مخالف در تظاهرات نامبرده شرکت داشتند.

به این ترتیب ما معتقد هستیم در این حساب های درباره تناوب نیروها در داخل جامعه ایران، نباید گول بعضی تبلیغات را خورد. به نظر ما در داخل ایران، همان طور که من بارها گفتم، نیروی کافی برای دفاع از انقلاب وجود دارد و بسیار هم قوی است. تغییراتی که در همین چند ماه اخیر در سیاست مقامات حاکمه کشور پیدا شده است و نمونه های آن را در زمینه سیاست خارجی و اقتصادی می بینیم، تغییرات جدی است که بدون داشتن یک پشتوانه بزرگ مردمی و خلقی نمی توانست انجام بگیرد. برای این که ما می دانیم که نیروهای مقاومت در مقابل این تصمیمات هم خیلی با جسارت می خواهند جلوی چنین تصمیماتی را بگیرند ولی به آسانی برایشان ممکن نیست. به این ترتیب است که ما در این بدبینی این دوست مسلمان به هیچ وجه شریک نیستیم و معتقد هستیم که نیروهای انقلابی هوادار ست گیری ها و هدف های عمده انقلاب ایران هنوز بسیار در کشور نیرومند هستند و می توانند جلوی هر توطئه ای را بگیرند. چنان که مقامات جمهوری اسلامی دچار ارزیابی های غلط و اشتباهات جدی نشوند چنین خطری متوجه انقلاب ما و جمهوری اسلامی نیست.

البته ممکن است درگیری های جدی پیدا شود بحران هایی پیدا بقیه در صفحه ۶

مستقل مطرح است، آن وقت به اهمیت حیاتی بالا بردن تولید در شرایط فعلی می بپردازیم. کارگران انگلستان در دوران جنگ، همگی در مقابل سرمایه داران قرار گرفته بودند. حتی نه این طور مثل ایران که ۷۰ درصد کارخانجات دولتی است و دولت هم در جهت جبهه ضد امپریالیستی قرار گرفته است. در مقابل انحصارهای بزرگ سرمایه داری امپریالیستی. خوب حالا کارگران انگلستان در جنگ ضد فاشیسم، اگر به نصایح این دوستان گوش می دادند، می باید کم کاری می کردند، اعتصاب می کردند، تولید را می خوابانند. و می گذاشتند فاشیست ها بپایند و کشور انگلستان را بگیرند و در تحلیل نهایی به سرمایه دار انگلیسی کمک کنند که سود خود را چند برابر کند!

این است که ما همیشه جهت عمده یک پدیده را مبنای قضاوت برای تصمیم گیری های خود قرار می دهیم. ما می گوئیم در این که تولید بیشتر در شرایط کنونی سود بیشتری را برای سرمایه دار ایجاد می کند، ولی یک جنبه مثبت بزرگتری هم دارد. و آن، این که مقاومت ما را در برابر تحریم و محاصره اقتصادی امپریالیسم افزایش می دهد. این است که ما همیشه جهت عمده یک پدیده را مبنای قضاوت برای تصمیم گیری های خود قرار می دهیم. ما می گوئیم در این که تولید بیشتر در شرایط کنونی سود بیشتری را برای سرمایه دار ایجاد می کند، ولی یک جنبه مثبت بزرگتری هم دارد. و آن، این که مقاومت ما را در برابر تحریم و محاصره اقتصادی امپریالیسم افزایش می دهد.

در این چارچوب است که ما باید مسائل را برای عناصر کمتر آگاه، برای عناصری که گمراه شده اند، توضیح بدهیم، وزارت هم تترسیم که وقتی ما شعار صحیح می دهیم، این شعار صحیح را مدت های طولانی حتی نیروهایی که این شعار به آن ها است و با تمام موجودیت آن ها بستگی دارد، تفهیم، دوستان، برای این مسئله همیشه یک شعار را مثال می زنم. چند سال است که این شعار در دنیا هست که "کارگران همه کشورها متحد شوید؟" الان ۱۳۳ - ۱۳۲ سال. ولی خوب هنوز همه کارگران همه کشورها متحد نشده اند. این عدم تحقق این شعار که دلیل عدم صحت آن نیست، یعنی ممکن است شما شعارهای بدهید که کاملاً درست باشد و در یک دوران طولانی، همان کسانی که این شعار را تمام تاروپودشان، با زندگی آن ها، در ارتباط است آن را نپذیرند، معیار درستی شعارها حتماً این نیست که همه کارگرها پلانیفاصله این شعار را درک کنند. ما شعار را با درک مجموعه مسائل سیاسی انتخاب می کنیم، گروه های چپ گرایی مردم فریب درست مخالف این عمل می کنند. برای کارهای انحرافی خود می روند آن چیزی را انتخاب می کنند که توده ها ممکن است خیلی ساده آن را بپذیرند ولی هدف این گروه ها عبارت است از تضعیف جمهوری اسلامی در مقاومتی که در مقابل امپریالیسم نشان می دهد، حزب واقعی طبقه کارگر چنین کاری نمی تواند بکند، نمی تواند طبقه کارگر را گول بزند و برای جلب موافقت آن ها در یک لحظه کوتاه مقاومت جمهوری اسلامی را تضعیف کند. امپریالیسم که قوی شد تمام هواداری طبقه کارگر از حزب ما هم نمی تواند ما را در مقاومت باری کند. ما خوب می دانیم که به هنگام موفقیت کودتای ۲۸ مرداد حزب توده ایران در طبقه کارگر ایران نفوذ خیلی زیاد داشت. ولی ما این همه تسلط فاشیسم نظامی - امپریالیستی باعث نابودی تمام جبهه مقاومت شد.

از این رو هدف ما پیروزی ارزان و وقت نیست. کوشش ما باید این باشد که به کارگرانی که این مسائل برایشان مطرح می شود و مسلماً با حسن نیت هم مطرح می شود با حوصله توضیح بدهیم. از این هم نباید ناراحت شد که ممکن است فریبکاران به طور موقت "موقتت" های به دست آورند و بعضی از کارگران موضع ما را درک نکنند. برد نهایی با طرفداران واقعی طبقه کارگر و مصالح آن است.

س: (از طرف یک برادر مسلمان) من در نشریات حزب شما خواندم که امکان گشودن جبهه های تازه ای از جنگ در برابر ایران از طرف آمریکا وجود دارد. من از این بیم دارم که هنوز که سیه مجهز و آماده به سلاح های سنگین نیست و ارتش هم در خط امام نیست و موج تفرقه بینان مردم هم از طرف برخی مسئولین مملکتی دامن زده می شود، انقلاب از دست برود. نظر شما در این زمینه چیست؟

ج: در شرایطی که ما در حال دفع یک تجاوز خطرناک امپریالیسم آمریکا و مقابله با یک توطئه وسیع ضد انقلابی دیگر از طرف امپریالیسم و نیروهای ضد انقلاب در ایران هستیم، بسیاری از عناصر و گروه های معتقد و لاقصد به سرنوشت انقلاب ایران به حق نسبت به

يك سؤال: کارگران موقت چه حقوقی دارند؟

کارگران روزمزد، روز-بروز زندگی می‌کنند. به آنها شناسنامه کارگری داده نمی‌شود، هرچند که عمری را در این سو و آن سو، هر جا که فرصتی یافته‌اند، تنها از بازوان کار-آزما و مہذرت‌های خوش‌استفاده کرده‌اند.

کارفرمایان دولتی بوده-است یا مقاطعه‌کار و سرمایه‌داری که به صورت آنان را فقط برای مدتی بردیگر کارگران ترجیح داده است.

چرا؟ برای این که این کارگران هیچ مزایایی ندارند، هر زمان می‌شود بدون کمترین بهانه‌ای آن‌ها را اخراج کرده و آنها نیز بهیچ مرجعی راه ندارند شکایت بجایی نمی‌توانند برود هیچ خطی از قانون به آنها تعلق ندارد!

تاسف آور است در دنیا که فحیح است اما واقعیت است و دردی است که بسیاری از حجتگشان میهن ما و در صیلا لایبی از طبقه کارگر بدان دچارند، آنها مدتی کوتاه در جایی بزحمت کاری دست و پا می‌کنند، بیجان می-

کوشند، ساکت محروم و مطیع‌اند، شاید امکان رسمی شدن و برخورداری از کار دائم برایشان فراهم شود، ولی افسوس! پس از گذشت این مدت کوتاه خیابان دراز و میدان‌های پر-جمعیت، تنها محلی است که به آنها پناه می‌دهد.

همین چندی پیش چهل تن از کارگران شهرداری منقعه ده شمیران اخراج شدند، نمبه این دلیل که کار نبودن و نیازی به وجودشان احساس نمی‌شد.

دلیل روشن این اقدام این بود که:

"این‌ها کارگران موقتی هستند، اگر بمانند و سابقه‌ای پیدا کنند، دیگر نمی‌شود آنها را اخراج کرد، بنابراین کارگران هر چند ماه یکبار عوض می‌شوند، تا سابقه پیدا نکنند!"

کارگران چه می‌گویند؟ می‌شویم: "کار ما پختن آسفالت است، شرکت‌ها و مقاطعه‌کاری‌ها ما را با روزی ۱۰۰ تومان



استخدام می‌کردند، ولی ما به امید آن که زمستان بیکار نباشیم و بتوانیم درآمدی داشته باشیم، با مزد روزانه ۶۳

تومان به استخدام شهرداری درآمدیم، ولی حالا که اول فصل سرماست، ما را اخراج کرده‌اند و کاری پیدا نمی‌شود، دردی است که هزاران و هزاران کارگر زحمتکش ایرانی در تمام طول عمر خویش و از دیرباز به آن دچار بوده‌اند: رسمی نیستید، پس مزایایی ندارید. حقوق شما همانقدر است که کارفرما "لطف" کند و از سر "خیرخواهی" از جیب خود بپردازد! آنچه که بحساب نمی‌آید، انسان بودن، هموطن بودن، کارگر بودن و تمام نیروی خویش را در خدمت سازندگی و کار برای اجتماع گذاشتن است. تا هر وقت می‌توانند برای رفع گرسنگی جان می‌کنند، و آن‌گاه که در بستر بیماری افتند یا پیری و از کار افتادگی فرارسد هیچکس نیست که در درازای مرهمی باشد، دارویی تهیه کند، درمانگاهی برای استراحت نیست و خانواده باید بدو فقر و گرسنگی دست و پنجه نرم کند.

این سرنوشت محتوم همه

آنان است، ولی ظاهر آن‌ها از یک "گناه": نتوانسته‌اند خود را رسمی کنند، و بهتر بگوییم، دروغ‌های هرج و مرج گذشته، شانس آن را نداشته‌اند که حتی از قوانین دوره طاغوت برخوردار شوند.

کاری به گذشته نداریم، گذشته‌ها را به گورستان تاریخ سپردیم، فردا را روشن و با-شکوه بسازیم، دیگر نباید در جامعه انقلابی، واقعیت زشت و غیر انسانی کارگران موقت وجود داشته باشد.

اکنون که قانون کار تدوین می‌شود، ضرورت تأکید بر این مسأله هرچه بیشتر محسوس است و باید تصریح شود: هیچ کارگری در هیچ جای میهن نباید از بهره شمول و حدود تأثیر این قانون خارج شود. همه کارگران باید بیمه شوند. همه باید از کلیه مزایای قانونی برخوردار شوند و وزارت کار باید خرید را موظف و مسئول نشان دهد که به این ضرورت درنگ ناپذیر، جامعه عمل بپوشاند.

دستگاه کار می‌کنم: مشکل ما گرانی است. از صبح تا شب کار می‌کنم، ولی نمی‌توانم یک کیلو میوه برای خانواده‌ام بخرم. اضافه می‌کند:

"کارم کنتراتی است: به بانک هم تده کارم و قسط می-پردازم. ماهی یکبار هم گوشت نمی‌خورم، گردو خاک و سیبانه ما را از خوراک خوردن انداخته-خوراک ما فقط آب است، گر چه بیمه هستیم، ولی رسیدگی نمی-کنند، به علت شرایط کارم، همه‌اش با درد دارم."



قانونی در کار نیست، نه بیمه و بهداشت، نه دستمزد کافی، اما امیدواری هست و مبارزه!

جالب اینکه از ما پرسید که سنش در چه حدود است؟ قیافه و چین و چروکهای صورتش گویای ۵۰ سال بود، ولی در جواب به ما گفت: "من ۲۸ سال دارم."

کارگاه البرز: ۳ نفر کارگر دارد، که بدنیا بی از کار افتادن یک دستگاه پرس در کارگاه کورش، جملگی به این کارگاه آمده‌اند و در این کارگاه بطور کنتراتی کار می‌کنند. قبلاً با مشکلات و خواسته‌های آنها آشنا شده‌ایم.

متأسفانه از کارگاه‌های سپید، دریا، و تختی، به علت مخالفت ما حیوان کارگاه، موفق به تهیه گزارش نشدیم.

امیدواریم که قوانین و ضوابط عادلانه و انقلابی این کارگران را نیز شامل شود و انتظار داریم که مسئولین دولت انقلابی با زوان فعال و پاکباز انقلاب را دریا باند.

کاغذ بازی در ادارات هنوز وجود دارد، کشاورز هستم و چون زمین-هایم را آب گرفته، مجبورم اینجا کار کنم، برای گرفتن وام هنوز هم پارتی بازی می‌کنند و ما را در دست تقسیم نمی‌کنند، در اینجا ما تعطیلی نداریم، اگر جمعه-ه کار نکنیم، مزد نداریم، گرانی ما را کلافه کرده، مثلاً سیگار زرد دانه‌ای ۱۰ تومان است، ولی قبلاً ۲ تومان بود، در کارگاه بابت هر ۱۰۰ عدد موزاژیک ۲۰۰، ۳۰۰، ۴۰۰ تومان می‌گیریم، ولی ما صاحب کارگاه ۱۱ عدد آنرا ۵۰ تومان می‌فروشد."

اوضاعه کرد:

"حاضرم در شهر خودم کشاورزی کنم، یکی دیگر از کارگران بنام آقا جان کریمی، اهل اطراف شیراز من صحبت با ما گفت: "۱۵ سال است که روی این

۴۰x۴۰ ممر ۱۵ ریال می‌گیریم، غلام از گرانی و مشکلات زندگی خود کله دارد و از مقامات مسئول می‌خواهد که به وضعیت رسیدگی شود.

در کارگاه از بهداشت و وسایل ایمنی خبری نیست، در موزاژیک سازی کورش قاسم، کارگر این کارگاه، در برخورد با ما، چنین می‌گوید: "۱۱ کلان سواد دارم، روزی ۹۰ تومان مزدم است، رنگ ساز موزاژیک هستم و از انقلاب راضیم، با اینکه مشکلاتی برای ما کارگران وجود دارد، ولی از اینکه مملکت را از دست مزدوران گرفتیم و دست خودمان است خوشحالم."

فرامرز رحیمی، اهل اهواز که پرس کار است، در جواب پرسشهای ما می‌گوید: "از انقلاب راضی هستم، ولی،

دربوشهر ۹ کارگاه موزاژیک سازی وجود دارد، که از این کارگاهها، کارگاه کورش و تختی با دودستگاه پرس بزرگتر از بقیه‌اند، تعداد کارگران این کارگاهها بین ۲ تا ۱۲ نفر است، که اغلب آنها غیر بومی هستند و همین غیر بومی بودن آنها یکی از دلایل عدم شکل آنها و تعطیلی کارگاهها در تابستان است. به کارگاهها می‌رویم و با مشکلات و خواسته‌های آنها آشنا می‌شویم.

موزاژیک سازی لوکس جدید کارگر دارد، ۳۰ نفر از آنها پاکستانی‌اند، با یکی از آنها به نام رمضان مادقسی اهل همدان به صحبت می‌نشستم، می‌گوید: "متاهل هستم و دو بچه دارم، با این گرانی نمی‌توانم زندگی‌ام را اداره کنم، بدهکار هستم، در یک اتاق اجاره‌ای با ماهی پانصد تومان نشستم، بیمه نیستم، سندی کار هم نداریم."

از وضع کارگاه و شرایط نامساعد آن می‌گوید: "پادرد، کمردرد و گردو خاک ناشی از سیمان، ما را زیاد آزار می‌دهد."

از انقلاب و مبارزه با آمریکا سؤال می‌کنیم، جواب می‌دهد: "تا آخر با آمریکا مبارزه می‌کنیم."

در مورد وضع دستمزد می‌گوید: "همه کارگران کنتراتی کار می‌کنند و بابت هر دانشه موزاژیک در اندازه‌های مختلف

معمولاً از ۲/۵ تا ۱۵ ریال مزد می‌گیرند.

مدیر کارگاه هم از کمی سهمیه سیمان و دیر تحویل دادن آن می‌گوید و توضیح می-دهد که:

"۴ ماه است پول داده ام، ولی هنوز سیمان تحویل نداده‌اند. کارگاه بیمان دو نفر کارگر و دودستگاه پرس دارد، که یکی از آنها از کار افتاده و خراب است، یکی از کارگران، که خود را غلام معرفی می‌کند، می‌گوید:

"۱۲ سال است که در اینجا کار می‌کنم و پرس کارم، وضع مزد من معلوم نیست، هر چه بیشتر کار کنم بیشتر پول می-گیرم، چون کنتراتی کار می‌کنیم، مثلاً برای موزاژیک ۲۰x۳۰ معمولی دانشه‌ای ۲/۵ ریال و ۳۰x۳۰ ممر ۵ ریال

بنابراین، هرگونه بی-توجهی و سهل انگاری در برابر این خطر هولناکه به قیمت خون بسیاری از بیگناهان و جوانان میهن ما تمام خواهد شد. لذا برای خنثی نمودن این توطئه‌های خائسانه لازم است، با کمک همه جانبه، در رفع نا-رضائیه‌های آموزشی، تقویت هوشیاری دانش آموزان، ارائه راه‌حلهای صحیح و سریع مشکلات آموزشی، جلوگیری از ایجاد تشنج و خشونت و تلاش همگانی برای حفظ آرامش و امنیت، تکرار فاجعه‌های گذشته، ممانعت نمودن و اجازه ندادن به باردیگر جنگ افروزان و دست-نشانندگان امپریالیسم، به بقیه در صفحه ۶

مدارس و دانش آموزان معصوم کرد-را مرکز توطئه‌های ابلیسی قرار داده‌اند، آنان می‌خواهند با به آشوب کشانیدن مدارس دانش آموزان را رویاروی سیاه پاسداران و نیروهای مسلح قرار دهند، تا با تکرار فجاجیع گذشته و برآه اندازی خونریزی و کشتارهای خیابانی، جنگ تازه‌ای را بر شهرهای کردستان تحمیل نمایند، بدیهی است نارسائیها و وسایستهای نادرست مسئولین آموزش شهر، عدم هوشیاری و دقت دانش آموزان نیز هر کدام منجر به مشکلات لازم را برای ایجاد اغتشاش و بلوا و نیل به این مقاصد شوم، بدست آتش افروزان و آشوبگران خواهد داد.

فرزندان این مرزوبوم، تعهد وجدانی و قلبی دارند... حرف ما با همه آنها شمی است که طعم جنگ و خونریزی را در کردستان و دیگر شهرهای ایران به تلخی چشیده‌اند، ما همدار می‌دهیم!

نقشه ریزان جنگ افروز، با همکاری گروههای ضد انقلابی، برای تضعیف سنگرهای دفاع در برابر تجا و زات مزدوران بعثی عراق، در فکر برافروختن جنگ جدیدی در کردستان هستند و برای اجرای این نیت شوم،

شخصیتهای میهن دوست و مومن به جمهوری اسلامی ایران! مقامات و ارگانهای مسئول جمهوری اسلامی ایران! روی سخن ما با همه شماست، با همه آنهاست که در برابر زندگی و حیات هم میهنان ستم دیده و محروم خویش احساس مسئولیت می‌کنند، با همه آنهاست هستیم که در این روزهای دشوار تاریخ میهن ما، نسبت به دفاع از انقلاب ایران، نسبت به سرنوشت خلقهای دردمکشیده این سرزمین، نسبت به جان

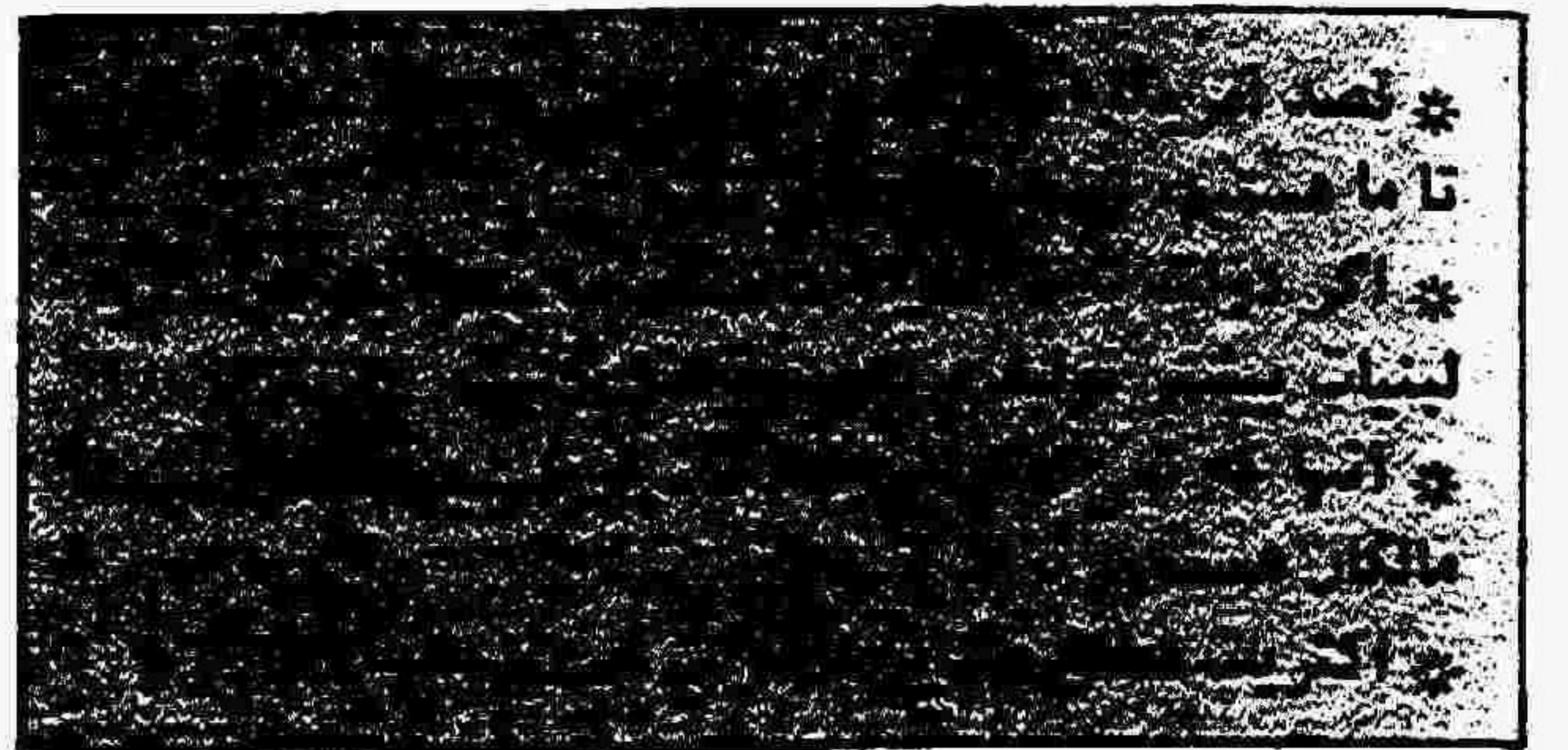
سازمان حزب توده ایران در سنج، طی اعلامیه‌ای، نسبت به تشدید فعالیتها و ضد انقلاب در کردستان و از جمله تحریک دانش آموزان، به مسئولین جمهوری اسلامی ایران هشدار داد. متن اعلامیه به شرح زیر است:

"دانش آموزان هوشیار و انقلابی سنج، پدران و مادران دلنواز آگاه کرد! نیروهای متعهد و وفادار به انقلاب ایران!

تشدید فعالیت ضد انقلاب در میان دانش آموزان کردستان

هشدار سازمان حزب توده ایران در سنج در باره:

بادهقانان و عشایر فارس



برای آشنایی با مشکلات و روحیه روستائیان و عشایر فارس، به یکی از کارزارهای مسافری روستاها در روزهای اصفهان می رویم. ابتدا با اسماعیل و غلام شهابی صحبت می کنیم.

اسماعیل می گوید:

"ما اهل توابع ارسنجان هستیم. هیئت هفت نفری قرار است به ده ما، "شرق آباد"، بیاید. ده حدود یکصد خانوار جمعیت دارد و حدود ۴۰۰ هکتار زمین. در موقع انقلاب، بزرگ مالک زمینهای خود را به اسم این آن کرد،



اسماعیل و غلام از ده شرق آباد

تا تقسیم نشود. من که سه سال پیش زمینی خریدم، مالک نمی گذاشت کشت کنم. ولی ما، در مقابل مالکها، با جمهوری اسلامی اعلام همبستگی کردیم. برای کمک به جبهه جنگ علیه مدام ده "شرق آباد" حدود بیست راس گوسفند، مقداری پول و گندم و آرد و نان محلی کمک کرد.

اسماعیل ادامه میدهد:

"آشنایانی گذارند اصلاحات ارضی بشود، با مالکان هستند. مالک همه چیز دارد، زمین، تلمبه و... ولی من چی دارم؟ من چشم براه هیئت هفت نفری هستم. دهات به جبهه بیشتر کمک می کنند و اکثر سربازان از دهات هستند. همین دما، چند ماشین خواروبار و گوسفند و اجناس جمع کرده تا کمک کند تا بحال چندتا ماشین برگردم کمک کرده ایم."

اسماعیل درباره مشکلات ده می گوید:

"مدرسه تا دوره ابتدایی داریم و حتماً و در مانگاه نداریم. برای ساختن در مانگاه و حمام پول جمع کردیم. نقشه آنرا جهاد کشیده، ولی هنوز نیامده اند. آنها را بسازند. نقشه ساده را هم کشیده اند، که سازند فعلاً برای معالجه بیماران باید به ارسنجان برویم. غلام ادامه میدهد:

"فعلاً از دولت انتظار داریم که بیروزباشیم، خارجی بر ما تسلط پیدا نکند و آمریکا برنگردد و آزاد باشیم." وی درباره عراق می گوید:

"عراق تنها نیست، آمریکا و اردن و مصر و اسرائیل هم، با ما در جنگند، و همه، زیر سر آمریکاست، چون منافع خود را از دست داده است."

غلام ادامه میدهد:

"خوانین نوکرد اخلی آمریکا هستند. می خواهند رعیت و نوکرد داشته باشند. می خواهند خان خانی بکنند. دولت باید آنها را بگیرد و کار آنها را یکسره بکند، که دارد هم میکند. اگر زودتر سرکوب شوند، بهتر است، چون اینها توطئه کردند."

اسماعیل می گوید:

شگرد فتودالها برای جلوگیری از اجرای قانون اصلاحات ارضی چیست؟

استاد رضا اصفهانی پاسخ می دهد:

هیئت های هفت نفری تقسیم زمین کار خود را به تدریج انجام می دهند و حتی در خیلی از مناطق وارد عمل نشده اند. مدتی تحقیق کرده اند تا عرف محل را طبق ضابطه و قاعده های متناسب در آورند و طبقه بندی کنند، با توجه به بیابان کاری کشور، مدت زیادی طول بکشد. قدر مسلم این است که مشغول کار هستند. بعضی اوقات افرادی تحت عنوان هیئت ۷ نفری تقسیم زمین (ممکن است) کارهای خلاف کرده باشند، ولی هیچ ربطی به هیئت تصویب شده ما ندارد. چه بسا این افراد که حکم ستاد مرکز را نداشته اند، گاهی اوقات زمین کشاورزی را که امکاناتی نداشته و آنچه را تلاش می کنند برایش کافی نبوده، گرفته و تقسیم کرده اند. اولین مسئله برای تحقیق پیرامون مسئله اصلاحات ارضی این است که هیئت کفایت اگر زمین کشاورزی به ناحق گرفته شده، آیا این زمین را هیئت هفت نفره گرفته یا افرادی این نام را سر خود کرده و زمین این کشاورز بیبنا را گرفته اند...

خبرنگار نشریه "پیام هاجر" همچنین از استاد رضا اصفهانی می پرسد:

"در هفته های اخیر و در پی تجاویزات مسلحانه رژیم مزدور عراق به خاک جمهوری اسلامی ما، از سوی عناصر ضد انقلاب در پارهای از مناطق کشور شایعاتی مبنی بر متوقف شدن اجرای طرح اصلاحات ارضی شنیده شده است. در این خصوص شما چه نظری دارید؟"

استاد رضا اصفهانی میگوید:

"این دنباله تلاشی است که عده ای از فتودالها قبلاً هم میکردند، منتهی یک مدتی این تلاش متوقف شده بود و حالا هم در نظر دارند برای متوقف کردن این طرح بگویند این طرح برخلاف اسلام است و تعجبی هم ندارد، چرا که عکس العمل فتودالهاست. کسی که سالها شیره جان مردم را مکیده، غیر از این هم نمی توان انتظاری از او داشت."

آقای اصفهانی درباره شگرد اربابان برای گرفتن فتوا از برخی مراجع اضافه کرد:

"یک سلسله مسائل کلی است که این عناصر از بعضی آقایان مراجع پرسیده اند. فرض بفرمائید می پرسند: "اگر کسی زمینی داشته باشد و بیابند این را از او بگیرند، آیا این جایز است؟"

ما خودمان هم می گوئیم جایز نیست. اما این (را که) زمین چه مقدار از راه نامشروع به دست آمده و چه مقدار آن اضافی است و چقدر از این زمین غصب کرده، مطرح نمی کند، تا امام یا فقیه دیگر جواب صحیح آن را بدهد و برخلاف بگوید. مگر این امام نیست که در بعضی از بیانات خود گفته اند: "آیا این سندهای پوسیده دلیل مالکیت است؟ آیا خیلی از آنها را نمی شود گفت که از راه نامشروع به دست آمده است؟"

هفت نفری و غیره است. در آغاز مصاحبه، مخبر "پیام هاجر" از استاد رضا اصفهانی پرسیده است:

"از روزی که طرح اصلاحات ارضی اسلامی به دست اجرا سیرده شده است، افراد یا گروهها، به عنوان مختلف، با آن به مخالفت برخاسته اند و حتی پارافراز از مخالفست گذاشته، این طریقه شد در جزوهای می خوانند. و دیده شد در جزوهای، ضمن رد اصلاحات ارضی اسلامی، شما را که استاد علوم اسلامی و انسانی مومن و معتقد هستید، کمونیست دارید؟"

استاد اصفهانی پاسخ داده است:

"اولاً آنچه که ما کردیم و آنچه که هیئت های هفت نفری طبق طرح تصویب شده شورای انقلاب میکنند، با آنچه ممکن است گاهی اوقات از طرف بعضی از افراد به غلط انجام بگیرد، به دو گونه است. آنچه که برنامه ما بوده و الان هم هیئت های هفت نفری مشغول پیاده کردن آن هستند، متن طرحی است که در شورای انقلاب، با شرکت چند تن از روحانیون بزرگ، تصویب شد و بسته امضای شخصی آقای منتظری، آقای مشکینی و آقای بهشتی هم رسیده است. این آقایان را خود اسامی شخصاً برای اظهار نظر در مورد این کار تعیین کردند... امضا آنها در پای هر صفحه از این صفحات هست... مسئله بی سروصدا نبوده. مخصوصاً فتودالها بیشتر از همه سروصدا ایجاد کردند و حتی تلگرافهای متعدد تحت عنوان کشاورزان، خرد مالکان نوشته اند... آیا این صحیح است که آقایان منتظری، بهشتی و مشکینی (اگر این طرح کمونیستی بود و اسلامی نبود (انرا) امضا کنند؟ و حتی آقایان موسوی اردبیلی، رفسنجانی و آقای باهنر، که در جلسه شرکت داشتند... متوجه نشدند که این طرح کمونیستی است؟ این یک بیماری است. در جامعه ما، به جای این که وقتی یک طرح مردمی در جامعه مطرح می شود، در آذهای به شکل خیلی عالی مطرح کنند، فوری انگ کمونیستی می چسباندند. فوری خبرنگار "پیام هاجر" آن گاه درباره مقاومت مالکان بزرگ در مقابل اجرای قانون اصلاحات ارضی و هیئت های هفت نفری و نیز اقداماتی که برای خنثی کردن این توطئه ها صورت گرفته، می پرسد:

استاد رضا اصفهانی پاسخ می دهد:

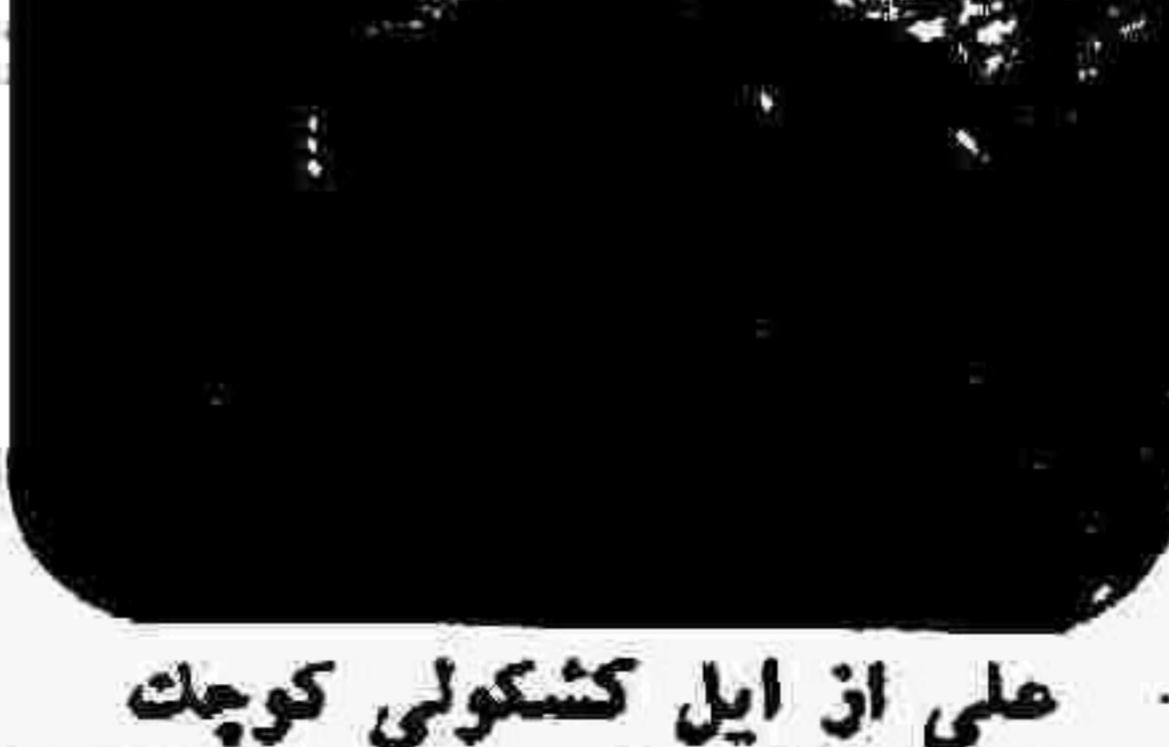
"برای آشنایی مردم، بزای خنثی کردن این قبیل توطئه ها، یک سلسله تعلیقات در مورد اصلاحات ارضی شده، که خواه ناخواه در رسانه های گروهی هم مطرح شده است... آنچه را که یک عده فتودال می گویند کمونیست، آن کمونیست نیست و آنچه را میگویند اسلام، آن اسلام نیست."

خبرنگار سپس در باره نحوه اجرا و زمان اصلاحات ارضی سوال می کند.

انقلاب بزرگ و شکوهمند ما، از آغاز، به گفته امام خمینی انقلاب کوخ نشینان غلبه کاخ نشینان بود. انقلاب مستضعفان علیه مستکبران بود. لیکن دولت موقت، نه تنها قادر به پاسخگویی به نیازهای انقلاب مستضعفان نبود، بلکه در مجموع در جهت نوعی حفظ نظام طاقتی و وابسته و تحکیم منافع مستکبران حرکت می کرد. وزیر کشاورزی این دولت، که خود بزرگ مالک و بلندگوی بهره کشان روستا بود، در تمام مدت وزارتش، همواره از مالکیت های بزرگ ارضی دفاع کرد. او حتی در مقابل گفته امام خمینی پیرامون شرایط و حدود مالکیت ایستاد و "اصلاحات ارضی شاهانه" را مورد تأیید قرار داد و نتایج و آثار مخرب آن را، که چیزی جز بی خانمانی و فقر و فلاکت اکثریت زحمتکشان روستا نبود، قانونی و محترم شمرد. وزیر کشاورزی دولت موقت لیبرال هر اقدام درستی را که به وسیله مردم زحمتکش و با کمک و بازی نهادهای انقلابی، چون جهاد سازندگی و سپاه پاسداران و در جهت تأمین منافع این محرومان و بالابردن سطح تولید صورت می گرفت، اقدامی "کمونیستی" و مخل نظم و امنیت قلمداد می کرد. وی لواجیحی را به سود بزرگ مالکان تنظیم کرد و برای این جباران و ستیزگان "شوراهای کشاورزان" تشکیل داد.

پس از اشغال جاسوخانه آمریکا و آغاز "انقلاب دوم"، که به حق "بزرگتر از انقلاب اول" بود، طرح انقلابی اصلاحات ارضی اعلام شد. از یک سو روستائیان زحمتکش و نیروهای انقلابی به دفاع همگانه از این طرح انقلابی پرداختند و از سوی دیگر بزرگ مالکان جباران و حامیان آنان، مخالفت با آن را آغاز کردند. زمین داران بزرگ، لیبرالها و روحانی نمایان ضد خط امام آنرا یک طرح "کمونیستی" و مخالف و خرابی "اصول اسلام" دانستند و حتی استاد رضا اصفهانی را، که از طرفداران لایحه و یک محقق و اقتصاددان اسلامی است، "کمونیست" دانستند. لیکن علی رغم تمام این مخالفتها، طرح انقلابی مذکور - اگر چه با تغییراتی - به یمن درایت رهبر انقلاب و تعهد روحانیت مبارز پیرو خط امام و به برکت مشارکت فعال خود دهقانان به تصویب شورای انقلاب رسید. فراز و نشیبها در مراحل اجرایی قانون همچنان ادامه یافت و نیروهای مومن به انقلاب می کوشیدند، تا به یمن همان رهبری و به برکت همان مشارکت، بر مشکلات و موانع کنونی فائق آیند، تا این گام بزرگ و حیاتی در جهت تعمیق و تحکیم انقلاب برداشته شود.

نشریه "پیام هاجر"، در شماره ۲۴ آن بان ۵۹ نیز، مصاحبه ای با استاد رضا اصفهانی، رئیس کمیسیون کشاورزی مجلس شورای اسلامی انجام داده است که متضمن نکات فوق و نیز اطلاعاتی در زمینه کار هیئت های



علی از ایل کشکولی کوچک

اعلام همبستگی کرده ایم." او درباره مشکلات خودشان می گوید:

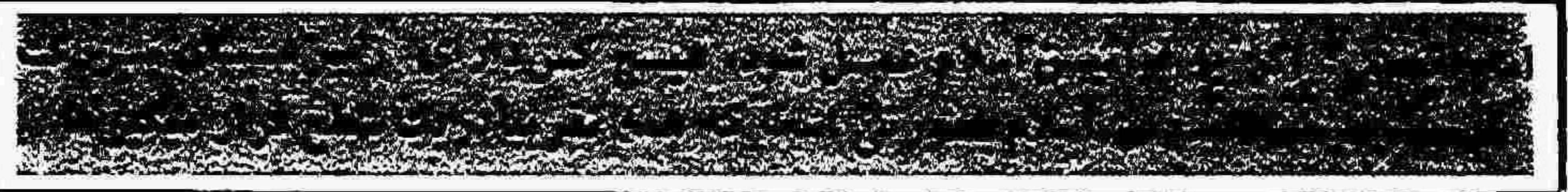
"تلمبه نداریم. علوفه دام کم کبومی آید. اجناس را گران می خریم. شورا و نماینده نداریم و مجبوریم اجناس را گران بخریم. اگر مریض شویم، باید به میسیون، تا شهرد و کنگدان برویم. در تابستانها سر حدمان سیریم است. تا به حال به وضع ماریسیدگی نشده است. علی درباره خانهای می گوید:

"خانها زوری میگویند و چون شکشان پراست، به کوزه دهاند. اکثریت مطلق عشایر یا جمهوری اسلامی هستند. دولت اگر زودتر خوانین عشایر را مجازات کند، بهتر است."

اعلام همبستگی کرده ایم." او درباره مشکلات خودشان می گوید:

"تلمبه نداریم. علوفه دام کم کبومی آید. اجناس را گران می خریم. شورا و نماینده نداریم و مجبوریم اجناس را گران بخریم. اگر مریض شویم، باید به میسیون، تا شهرد و کنگدان برویم. در تابستانها سر حدمان سیریم است. تا به حال به وضع ماریسیدگی نشده است. علی درباره خانهای می گوید:

"خانها زوری میگویند و چون شکشان پراست، به کوزه دهاند. اکثریت مطلق عشایر یا جمهوری اسلامی هستند. دولت اگر زودتر خوانین عشایر را مجازات کند، بهتر است."



سختی دارند، حساب خودشان را از خوانین جدای کنند. با اینکه بارفرو و گرسنگی را بردوش می کشند، آگاهند که فریب وعده های خوانین و ضد انقلاب را نخورند و می دانند که خوانین همیشه به بهای فلاکت آنها، خوشگذرانی کرده اند. آنها جان برکف آماده مقاومت در برابر آمریکا هستند.

"باسب و قاطر زمین را شخم می زنیم و کنگد و جومیکاریم و کشت بی صورت دیمی است." او ادامه میدهد:

"اگر دولت برای ما خانه بسازد، ما راضی هستیم که ساکن شویم. با آنها خداحافظی می کنیم. اینها که شب و روز در حال کوچ هستند و شرایط زندگی

وی درباره عراق می گوید:

"عراق حمله کردنش از طرف آمریکا است. اگر دولت به ما علوفه برساند، می توانیم گوشت و لبنیات بیشتر تولید و به جبهه کمک کنیم. ما جلو عراق و آمریکا را می گیریم. خانهای سرسیرده عشایر ضد ما عشایر هستند و عمال آمریکا در محل هستند."

علی درباره کشاورزی می گوید:

خلق السالوادور

درواه آزاد کردن خود از اسارت امپریالیسم آمریکا به پیش می رود



صحنه ای پراز هجوم دژخیمان به مردم، در سان سالوادور پایتخت السالوادور

بموجب تازه ترین گزارش های "جبهه آزادی بخش ملی فارابونندو مارتی"، تعرض نظامیان راستگرای السالوادور علیه مناطق آزاد شده در استان "مورناسان" که در حدود سه ماه پیش آغاز گشت و به ادعای مکرر رژیم با موفقیت پیش میرفته به شکست انجامیده است. بگفته یکی از بیانیه های اخیر "جبهه"، این شکست نیروهای "خونتا"، که ایالات متحده آمریکا "کارشناس" و سلاح در اختیار آنها میگذارد، برای مرحله کنونی پیکار ملی در السالوادور نمونه وار است.

اینک "جبهه آزادی بخش ملی فارابونندو مارتی" در حدود یک پنجم السالوادور را تحت سلطه خود در آورده است و در چهار جبهه "گونگون" علیه "خونتا" میززد. نیروهای دمکراتیک و انقلابی این کشور هر چه بیشتر وحدت خود را استحکام بخشیده اند و به مبارزه خود علیه دیکتاتوری و برای دمکراسی و عدالت اجتماعی ادامه میدهند.

دیگر توهمی در باره ماهیت راستین رژیم وجود ندارد

اوضاع السالوادور در مقایسه با یکسال پیش تغییر بنیادی یافته است. سال پیش، هنگامیکه در تاریخ ۲۳ مهرماه ۱۳۵۷ تا ۱۵ دی ۱۳۵۸) ۶۰ درصد کاهش یافت. در همین مدت دیون خارجی السالوادور دو برابر شد. محصول قهوه، که مهم ترین کالای صادراتی سنتی این کشور را تشکیل میداد، یک سوم تنزل پیدا کرد. بیش از ۵۵ کارخانه مهم تعطیل شد و کارگران آنها به خیل بیکاران پیوستند.

امپریالیسم ایالات متحده آمریکا که با سرنگونی رژیم سوموزا در نیکاراگوئه، شکستی سهمگین در آمریکای مرکزی نصیب شد، اینک همه کوشش خود را برای جلوگیری از گسترش بیشتر جنبش خلق در السالوادور بکار انداخته است. آمریکا، نه تنها میلیونها دلار به رژیم دیکتاتوری اعتبار و اسلحه میدهد، بلکه صدها کارشناس نظامی و دهها جاسوس "سیا" را به السالوادور کسب داشته است، که در "پیکر شورشیان" شرکت مستقیم دارند.

چندی پیش افشا شد که ایالات متحده آمریکا در کشورهای همسایه السالوادور، یعنی گواتمالا و هندوراس، تهاجمی را علیه السالوادور تدارک می بیند و بدین منظور، نیروهای خود را در کارائیب و منطقه کانال پاناما نیز تقویت کرده است. ناظران سیاسی معتقدند که، چنانچه کمک ایالات متحده نبود، نیروهای خلقی السالوادور مدتها پیش توانسته بودند رژیم "خونتا" را سرنگون سازند.

اعلامیه سازمان حزب توده ایران در باره: با رسیدگی به حقوق حقه خلق کرد و رفع محاصره اقتصادی روستاهای کردستان، دست خوانین ضدانقلاب را از این استان کوتاه کنیم!

سازمان حزب توده ایران در باره، با انتشار اعلامیه های، ضمن برشمردن توطئه های امپریالیسم آمریکا و ایدای داخلی آن علیه انقلاب ایران، از مسئولین جمهوری اسلامی ایران خواست است، تا با رفع محاصره اقتصادی و حل مسأله ملی در کردستان توطئه های ضدانقلاب را در این خطه نقش بر آب سازند. در اعلامیه آمده است:

"بدنبال شکست سیاسی- نظامی ششمین توطئه امپریالیسم جهانی، به سرکردگی امپریالیسم آمریکا، که بصورت تجاوز نظامی صدام حسین خائن، به سبب انقلابی مان، شکل گرفته بود، اینک این "جزئومه فساد" از پای ننشسته و در صدد اجرای هفتمین طرح جنایتکارانه خویش است. طرح ایجاد جنگ داخلی در ایران تلاش برای تقویت مواضع لیبرالها، کوشش برای اشغال سه جزیره ایران در خلیج فارس، ایجاد درگیری در شهرهای مختلف ایران و برآوردن اختن تظاهرات کذافی علیه روحانیت مبارز و تمهید بیروخطاهام خمینی، نقای افکنی به نیروهای راستین هوادار انقلاب و جمهوری اسلامی ایران، تشدید حملات بانده قاسملو و ... در کردستان و ضد انقلابیون در سیستان و بلوچستان، تلاش برای ایجاد نا رضایتی در بین مردم و متشنج کشاندن مدارس، همه هم مدبر ارتباط با این توطئه شوم است که می تواند مورد ارزیابی قرار گیرد.

تساوت تنها، اتحاد، هوشیاری و پایداری خلقهای ایران است که همچون سدی پولادین همه این توطئه ها را خنثی خواهد کرد. لذا در این شرایط دشوار، رسیدگی به حقوق اجتماعی مردم کردستان و رفع محاصره اقتصادی از روستاهای کردستان، بی شک ضروری است بر مواضع ضدانقلاب، که با دستاویز قراردادن این مسئله، تبلیغات ننگین خود علیه جمهوری اسلامی ایران را تشدید کرده است. در این شرایط حساس، اقدامات ارگانهای مملکتی در جهت جیره بندی

پرسش و پاسخ

بقیه از صفحه ۳
بشود، حالت های طوفانی پیدا شود. این همه ممکن است. ولی بمنظر ما محصول این درگیری ها و طوفان ها و بحران ها، مثل مراحل قبلی با زهم تعمیق بیشتر انقلاب درست گیری های سیاسی یعنی ماهیت ضد امپریالیستی آن خواهد بود و نه تضعیف انقلاب به سود لیبرال ها و غیره.

س: (یکی از دانش آموزان "پیشگام" - هوادار سازمان چریک های فدایی خلق ایران (اکثریت)): اخیراً در نشریه کار شماره ۸۶ و ۸۸ مطالبی درباره بورژوازی ملی مطرح شده است. می خواستم که تعریف دقیقی از بورژوازی ملی بکنید. آیا اصلاً در ایران بورژوازی ملی وجود دارد؟ یا اصلاً در زمان حاکمیت امپریالیسم، بورژوازی ملی می تواند رشد پیدا کند؟ یا توجیه به این که بورژوازی ملی بایستی بدون وابستگی باشد و غیره. نظر حزب توده ایران را چه به موضوع گیری سازمان در مورد بورژوازی ملی چیست؟

ج: من این سؤال را البته فقط برای آن اینجا خواندم که به این دوست پیشگام و به دوستان نظیر او که از این نوع سؤالات برای ما می فرستند یک یادآوری بکنم. ما درباره این مسائل در نشریات حزب توده ایران به طور مبسوط و همه جانبه دیدگاههای حزب توده ایران را بیان داشته ایم. حتی در همین "پرسش و پاسخ" ها ما به طور مبسوط درباره نقش و قشر بندی های بورژوازی در کشوری نظیر ایران مفصل صحبت کرده ایم. تکرار این صحبت ها برای مجموعه شنوندگان "پرسش و پاسخ" نمی تواند جالب باشد. چون اکثریت این رفقا این سؤالات را شنیده اند و نسبت به آن ها هم نظرات مشخصی را می شناسند. آیا بهتر نبود که این سؤال کننده آدرس خود را می فرستاد و ما می توانستیم برای او به طور مشخص دوستی را معین بکنیم که با او تماس بگیرد و جواب این سؤال ها را به او بدهد؟ البته اگر دوست ما واقعا این عقیده را دارد که این سؤال برای عده زیادی از دوستان او در گروه پیشگام و گروه سازمان چریک های فدایی خلق مطرح است، این را برای ما بنویسد. آن وقت ممکن است که ما بتوانیم به این مطلب در مقاله ای در نامه "مردم" بپردازیم. وگرنه در جلسات پرسش و پاسخ ما نمی توانیم به این مسائل اختصاصی تئوریک بپردازیم. در آن دوران اول ما این کار را کردیم. برای این که همه خواستار شناخت این مسائل بودند ولی حالا تپش بپوش در نتیجه فعالیت های تبلیغاتی حزب توده ایران، سطح شناخت هواداران حزب به میزان زیادی بالا آمده است ما می توانیم منتظر این باشیم که دوستان به ما بگویند که رفیق کیا چرا این قدر تکرار می کنی؟ بن است دیگر! در دیزی باز است حمایت گریه کجارتی؟ ولی قبل از آن که چنین انتقاداتی برسد، من کوشش می کنم از طرح آن مسائلی که چندین بار تکرار شده است خودداری کنم.

پایان

اتحاد فزاینده خلق

از سوی دیگر، اختناق فزاینده ارتجاع داخلی و خارجی جبهه نیروهای مخالف راه هر چه بیشتر توسعه داد، علیرغم شرایط بین دشوار مبارزه، کوشش آنها را در راه اتحاد، همبستگی و مقاومت توان بخشید. امروزه میتوان گفت که بیشینه خلق از سازمان های انقلابی پشتیبانی میکنند. این سازمان ها در بهار سال ۱۳۵۹ به تشکیل "جبهه دمکراتیک انقلابی" همت ورزیدند و هدف خود را سرنگونی رژیم دژخیم نظامیان اعلام داشتند. این جبهه همجده سازمان خلقی مردم السالوادور، از جمله برخی از گروه های بورژوازی، را در بر میگیرد.

مقاومت مسلحانه مردم را "رهبری متحد انقلابی" (دیرکسیون رولوسو-ناریا اونیکادا - "درو") هم-آهنگی می بخشد. "درو"، که در اواسط بهار اسامی تشکیل شد، "حزب کمونیست السالوادور"، "نیروهای مسلح خلق - فارابونندو مارتی"، "سپاه انقلابی خلق" و "نیروهای مسلح مقاومت ملی" را در بر میگیرد.

جدیدترین گام در راه تحکیم وحدت عمل جنبش مسلحانه و انقلابی خلق السالوادور اعلام تشکیل "جبهه آزادی بخش ملی - فارابونندو مارتی" بوده است، که در آن مهم ترین کردار های مقاومت خلق السالوادور تشکیل یافته اند و از نظر نظامی و سیاسی از سوی "درو" رهبری میشوند. دومین پلنوم "درو" شرکت "نیروهای مسلح مقاومت ملی" را نیز در این جبهه تأیید کرد.

شفیق خورخه مندیل، دبیر کل کمیته مرکزی حزب کمونیست السالوادور، چندی پیش در بیانیه ای، تشکیل "فرماندهی عالی متحد انقلابی" را بیانگراتحاد میهن دوستان السالوادور در زمینه همه مسائل بنیادی سیاسی، نظامی، ملی و بین-المللی خواند.

کمک وسیع ایالات متحده آمریکا به رژیم السالوادور

"اصلاحات ارضی" رژیم تنها به آوارگی هزاران دهقان و کارگر روستایی و ایجاد باصلاح روستاهای استراتژیک انجامیده است. حجم بازرگانی السالوادور در سال ۱۹۷۹ (۱۱ دی ۱۳۵۷ تا ۱۵ دی ۱۳۵۸) ۶۰ درصد کاهش یافت. در همین مدت دیون خارجی السالوادور دو برابر شد. محصول قهوه، که مهم ترین کالای صادراتی سنتی این کشور را تشکیل میداد، یک سوم تنزل پیدا کرد. بیش از ۵۵ کارخانه مهم تعطیل شد و کارگران آنها به خیل بیکاران پیوستند.

امپریالیسم ایالات متحده آمریکا که با سرنگونی رژیم سوموزا در نیکاراگوئه، شکستی سهمگین در آمریکای مرکزی نصیب شد، اینک همه کوشش خود را برای جلوگیری از گسترش بیشتر جنبش خلق در السالوادور بکار انداخته است. آمریکا، نه تنها میلیونها دلار به رژیم دیکتاتوری اعتبار و اسلحه میدهد، بلکه صدها کارشناس نظامی و دهها جاسوس "سیا" را به السالوادور کسب داشته است، که در "پیکر شورشیان" شرکت مستقیم دارند.

چندی پیش افشا شد که ایالات متحده آمریکا در کشورهای همسایه السالوادور، یعنی گواتمالا و هندوراس، تهاجمی را علیه السالوادور تدارک می بیند و بدین منظور، نیروهای خود را در کارائیب و منطقه کانال پاناما نیز تقویت کرده است. ناظران سیاسی معتقدند که، چنانچه کمک ایالات متحده نبود، نیروهای خلقی السالوادور مدتها پیش توانسته بودند رژیم "خونتا" را سرنگون سازند.

هشدار سازمان حزب توده ایران در سندج ...

بقیه از صفحه ۴
سرکردگی امپریالیسم آمریکا، جنازه های فرزندان بی گناه کشور را هیزم آتش هوسایی پلید خود نمایند. مرکز برا امپریالیسم آمریکا، دشمن اصلی خلقهای ایران و جهان! برقرار باد اتحاد تمام نیروهای ضد امپریالیستی و مردمی در جبهه متحد خلق سازمان حزب توده ایران شهرستان سندج

فرانک از کرج	۲۰۰۰ ریال
پ. الف	۱۱۰۰۰ ریال
رو	۱۰۰۰ ریال
علی اشرف ن.	۵۰۰ ریال
مریم، الف	۳۰۰۰۰ ریال
کمال، الف	۲۰۰۰ ریال
مهرداد و مهرنوش	۸۵۰ ریال
خانم ایران، خانه دار	۱۵۰۰۰ ریال
حسین الفاز	۲۰۰۰ ریال
ف- سنگ کار	۲۰۰۰ ریال
نیمه الف	۵۰۰ ریال
گروه ازدر	۱۰۰۰۰ ریال
د. از کرج	۱۰۰۰۰ ریال

کمک مالی به حزب توده ایران، یک وظیفه انقلابی است!

ملازمان می توانند کمک مالی خود را ب حساب بانکی به نام بقی کیمنش و به شماره ۲۹۸۸ شعبه ۴۱۸ بانک ملی ایران (شعبه دهخدا)، خیابان شهید دکتر حسین فاطمی بپردازند.

تجهیز پاسداران...

بقیه از صفحه ۹

از بهترین فرزندان خود و به بهای تحمل فداکاریها و دشواریهای فراوان، چنانیکاران را از پیشروی بازداشت.

در میان این خلق زنجیریده، ولی وفادار به انقلاب بزرگ خویش، در میان نیروهای مسلحی که آرام آرام در کوره جنگ آبدیده شدند، عناصر ناستوار را بطور انداختن و عدم آمادگی را ترمیم کردند، نام و نقش سپاهیان پاسدار انقلاب، اینست: فرزندان دلیر و جانباز خلق انقلابی، جای بس بزرگ و نمایان دارد، آنها که، علیرغم کارشکنیهای عناصر لیبرال - که در طول دو سال پس از انقلاب چشم دیدن این بزوی مسلح، ولی پرشور و فداکار خلق را نداشتند و برای انحلال آن به هر تلاشی دست میزدند، انقلاب را از خطرات بس عظیمی حراست کردند و از توطئه های مملکت رهایی بخشیدند، در پی تجاوز آمریکائی ارتش صدام حسین نیز بی محابا و با شجاعتی که نظیر به مقابله برخاستند و از بیکرهای گلگون خویش در مقابل توطئه، ستمناختند، آنها محاسبات متعارف جنگی صدام حسین و امیرالیاسم آمریکا را برهم ریختند و نشان دادند که انقلاب ایران از چه پشتوانه عظیمی از نیرو، شور و امید برخوردار است. پشتوانه ای آنچنان غنی و سرشار از شور انقلابی، که اطمینان میدهد انقلاب ایران از توطئه ها سر بلند و استوار بیرون خواهد آمد و پیروز خواهد گشت.

این تجربه، برای انقلاب، اهمیت عظیمی داشت و دارد. این آزمون دیگری برای سپاهیان پاسدار انقلاب در نبرد بی امان جمهوری اسلامی ایران با دشمنان توطئه گرش، بمرکز گردگی امیرالیاسم چنانیکار آمریکا بود.

از روزهایی که انقلاب ایران در کوچه و خیابان شکل می گرفت و از درون خود نیروی خلقی را به محافظت از خویش بیرون میداد و متشکل میساخت و از روزهایی که این نیروی مسلح خلقی در سنگرهای خلق شکل گرفت، در تسخیر یادگانهای ارتش شاه منقور مسلح گردید تا به امروز، آزمونهای متعدد و خوبی در مقابل سپاهیان پاسدار انقلاب قرار گرفته، که هر یک، خلق و مسئولان

آنها به اهمیت عظیم این نیروی فداکار خلقی برای حفظ حراست از انقلاب ایران، مطمئن تر ساخته است.

نقش پاسداران انقلاب در پیگرد و سرکوب صدام انقلاب توطئه گر، دستگیری و مجازات ساراکیبا و وابستگان مزدور رژیم منقور پهلوی، برای انقلاب ایران بس ارزنده بوده است. سپاهیان پاسدار انقلاب در شکست تمامی توطئه های امیرالیاسم آمریکار مزدوران داخلی، نقش برجسته ای داشته اند بیشترین شهدا را در راه حفظ انقلاب اهدا کرده اند. در طبع آنها حاضر بودند، در ۱۸ تیر راه کودتاگران را سد کردند و در ۳۱ شهریور، در شادوش، دیگر نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران و در کنار خلق فداکار و انقلابی، راه

بر لشکر جرار صدام بستند. تجربه غنی دوساله گذشته نشان داد که خلق و مسئولان انقلابی در اعتماد به این نیروی خلقی و مخالفت قاطعانه با توطئه های لیبرالها علیه سپاهیان پاسدار انقلاب، به خطا نرفته اند. این امتنان و اعتماد خلق انقلابی، در قنون اساسی و قانون اخیر مصوبه مجلس شورای اسلامی، که پاسداران انقلاب را بعنوان بخشی از نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران، قانونیت بخشیده، منعکس گردیده است.

تجربه دوساله اخیر همچنین نشان داد که عدم تجهیز این نیروی قابل اعتماد خلق و تسلیم شدن به کارشکنی های لیبرالها در این مورد، چه زیانهای بزرگی بر امر دفاع از انقلاب وارد ساخته و میسازد. ضرورت تجهیز کامل نیروهای پاسدار انقلاب، بر اساس همین تجربه درها و بارها در سخنان رهبر انقلاب، امام جمعه تهران، رئیس مجلس شورای اسلامی و نخست وزیر منعکس گشته است. اقداماتی نیز در این جهت صورت گرفته است، که البته هنوز کافی نیست.

پاسداران انقلاب به مثابه بخشی از نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران، که به سبب خویش امتحان خود را در دفاع شایسته و دلیرانه از انقلاب و جمهوری اسلامی ایران داده اند، باید از هر نظر و بویژه به سلاح سنگین مجهز گردند و به قنون پیشرفته نظامی، آشنا شوند. چنین اقدامی تنها بسود انقلاب و بسود حفظ آن از دستبرد امیرالیاسم آمریکا و مزدوران آنست.

آفتاب در گیلان، در ۴ کیلومتر دشمن را از مواضع خود عقب رانند و در منطقه پیشروی کردند. همچنین در منطقه زهاب، شیرین - جبهه های کوروش - یازی دز، زاب، دانه خشک و قراب، نیروهای رزمنده جمهوری اسلامی ایران موفق به عقب راندن دشمن شدند.

ورود دومین گروه

اسرای عراقی به تهران خبرگزاری پارس، صبح دیروز اطلاع داد، که دومین گروه اسرای ارتش عراق که در جریان حمله پیروزمندان نیروهای انقلاب به متجاوزین در روز ۱۵ دیماه به اسارت درآمده، وارد تهران شدند. این گروه متشکل از ۲۸۰ تن اسرای صدامی بودند. دسته اول اسیران عراقی که شامل ۵۰۰ اسیر می شد روز ۱۷ دیماه وارد تهران شده بودند.

در «نامه مردم» شماره ۴۰۸، ضمن گزارشی که از کارخانه تبلیغ خانه نفت وجود دارد، تعداد کارگران زن این کارخانه اشتباهات «کمتر از هزار نفر» ذکر شده، در حالی که رقم درست «کمتر از صد نفر» زن، اهم از کارگر و «کارمند» است.

نیروهای انقلاب...

بقیه از صفحه ۹

تیراندازی دشمن به منطقه مسکونی آبادان دیروز (۱۸ دی)، ۲ پایخانه طعمه حریق شده، که بیدرتک توسط مامورین آتش نشانی برای خاموش کردن آتش اقدام شد. در همین اطلاعیه، تعداد تلفات نیروهای انقلاب در تهاجم پیروزمندان ۱۵ دی ماه ۱۰ تن شید و ۲۶ تن مجروح اعلام شد. همچنین خبرگزاری پارس از جبهه گیلان، خبر پیروزی تازه نیروهای انقلاب را با اطلاع همگن رسانید. طبق این گزارش، در این جبهه نیروهای انقلاب از زمین و هوا، دشمن را زیر آتش قراردادند و ۱۰ دستگاه تانک دشمن را نابود کرده و ۶۰ تن از آنان را به پهلکت رساندند. فرمانده عملیات غرب پیشروی

توضیح و تصحیح

در مقاله «بر کارگران ایران چه می گذرد»، از جمله آمده بود: «... تبلیغ خانه گاز و موکت سازی ایس مورد حمله دشمن قرار گرفته و یکی منهدم شده...» تا یوزش از خوانندگان، یادآور می شود که: «در ایس تبلیغ خانه نفت وجود دارد، نه گاز. در ضمن طی حمله تجاوزگران صدامی، فقط به موکت سازی خسارت و تلفاتی وارد شده و تبلیغ خانه نفت آسیبی ندیده است.»

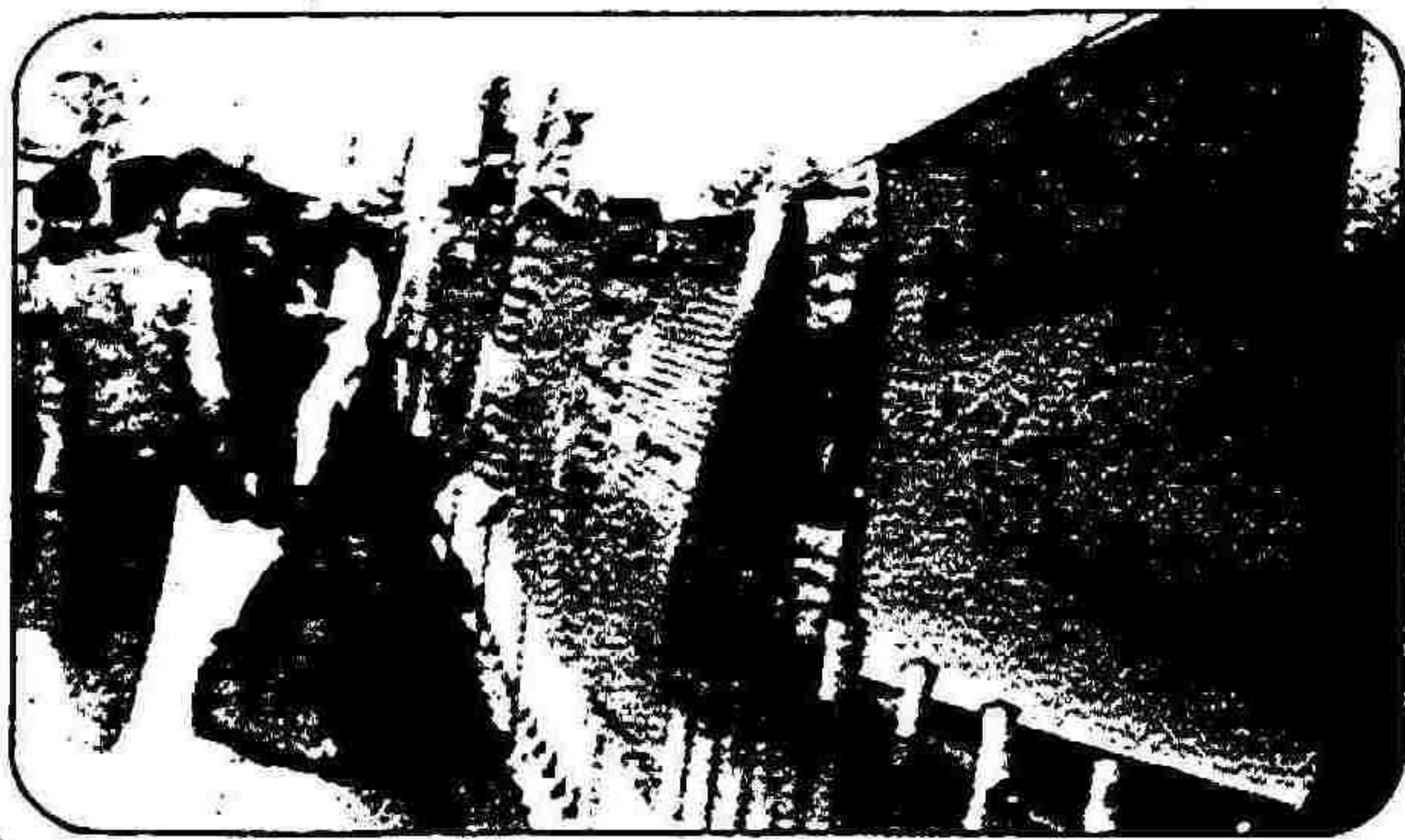
تجربه دوساله اخیر...

این تجربه، برای انقلاب، اهمیت عظیمی داشت و دارد. این آزمون دیگری برای سپاهیان پاسدار انقلاب در نبرد بی امان جمهوری اسلامی ایران با دشمنان توطئه گرش، بمرکز گردگی امیرالیاسم چنانیکار آمریکا بود.

توضیح و تصحیح

در مقاله «بر کارگران ایران چه می گذرد»، از جمله آمده بود: «... تبلیغ خانه گاز و موکت سازی ایس مورد حمله دشمن قرار گرفته و یکی منهدم شده...» تا یوزش از خوانندگان، یادآور می شود که: «در ایس تبلیغ خانه نفت وجود دارد، نه گاز. در ضمن طی حمله تجاوزگران صدامی، فقط به موکت سازی خسارت و تلفاتی وارد شده و تبلیغ خانه نفت آسیبی ندیده است.»

جلوگیری از نمایشگاه افشای جنایات امپریالیسم آمریکا و رژیم صدام در مسائل



در تاریخ ۲۴ آذر ۵۹، از طرف اعضا و هواداران حزب توده ایران در مسائل - استان گیلان - نمایشگاه عکسی با عنوان «گامی در افشای جنایات رژیم مزدور بعث عراق و امپریالیسم آمریکا» برپا شد که با استقبال گرم مردم روبرو گردید. اما با کمال تأسف و تعجب، ظهر همان روز نماینده حاکم شرع این منطقه، به همراه چند نفر به محل نمایشگاه آمدند و بدون توجه به محتوای آن، عکسهای شهدای جنگ و اسناد مربوط به جنایات امپریالیسم آمریکا و رژیم صدام رایا ره کردند. اعضا و هواداران حزب توده ایران در مسائل، که به پیروی از مضمون اصولی و انقلابی حزب توده ایران همواره در حمایت از انقلاب شکوهمند مردم ایران و پشتیبانی از خط فدا میرالیاسمی و خلقی امام خمینی کوشیده اند، ضمن اعتراض به این عمل امیدوارند که از تکرار چنین اعمالی که ناخواسته آبروی حزب توده را خراب میسازد، جلوگیری شود.

ضد انقلاب در سیستان و بلوچستان اسلحه، ارز و مواد مخدر قاچاق می کند

عوامل ضد انقلاب که سعی می کنند کانون جدی بحران و درگیری دیگری علیه جمهوری اسلامی ایران پدید آورند، فعالیت های تخریبی خود را در سیستان و بلوچستان در همه زمینه ها تشدید کرده اند. از جمله زمینه های فعالیت این عناصر وابسته به آمریکا، قاچاق ارز، مواد مخدر و اسلحه در این منطقه است. اخبار رسیده از شهرهای مختلف این استان حاکی است که در حال حاضر خرید و فروش ارز مخصوصا هزار تومانی ایرانی در اهدان و دیگر شهرهای استان، از قبیل زابل و چابهار، وسیعاً جریان دارد، و با آنکه صرافیهای زاهدان تعطیل شده است لیکن خرید و فروش ارز در نواحی مختلف شهر، از جمله ترمینال اتوبوس های زاهدان و توسط فروشندگان سیگار ادامه دارد. در این میان خرید و فروش هزار تومانی ایرانی برای خرید جنس از خارج بخصوص از دوی و همچنین خرید و فروش پول افغانی و پاکستانی با زار گرمی دارد. مخصوصاً پول هزاری افغانی، که تا ۲۶۰ تومان و یکصدی پاکستانی، که حدود ۱۲۰ تا ۱۵۰ تومان خرید و فروش میشود. عوامل ضد انقلاب از طرف دیگر به قاچاق مواد مخدر نیز ابعاد گسترده تری داده اند. در تاریخ ۲۹ آذر ۵۹، گشت های سپاه پاسداران قاچاقچی مسلح در نواحی کلاته کاموزب را دستگیر کردند. در این عملیات قاچاقچیان چندین بار بیرونی

- طبقه کارگر
- ایران
- در افزایش
- تولید
- ترمیم
- خسارات
- جنگ
- ودفاع
- در جبهه
- پیشقدم
- است!



۲۰ دیماه ۱۳۵۹، روز استقلال کامپوچیا، روز پایان یافتن تجاوز نظامی امریالیسم آمریکا و روز جشن ملی خلق کامپوچیاست.

امریالیسم آمریکا طی پنج سال (۱۳۵۴-۱۳۴۸) دخالت ویرانگر و خونبار خود، با فروباریدن میلیون‌ها تن بعب بوسیله هواپیماهای بمباران، یی از ۶۰۰۰۰۰ تن از مردم کامپوچیا را بقتل رساند، ۸۰ درصد کله‌واحدهای صنعتی، چاه‌ها و خطوط راه آهن و حدود ۷۰ درصد از اراضی حاصلخیز و پارآورد را ویران ساخت و دوسوم دامها را نابود کرد.

بدینسان با سقوط رژیم دست‌نشانده لوت‌نول و پایان یافتن دخالت تجاوزگرانه امریالیسم آمریکا، رژیم پول‌پوت - ینگساری زمام‌امور را بدست گرفت. ولی این رژیم جنایتکار نیز به‌پیروی از سیاست برتری‌طلبان چین و اجرای آرمون‌های دهشتناک ماتوئیستی، ۳ میلیون تن را قتل‌عام کرد، واحدهای فعال صنعتی را بکلی از تولید بازداشت، مراکز آموزشی را تعطیل کرد، شهروندان را به روستاها گسیل داشت و کشاورزی را به نابودی کشاند. در يك کلام، اقتصاد قرون‌وسطایی را برکنار حاکم‌ساخت. تا آنکه سرانجام، روز ۱۷ دیماه ۱۳۵۷، دژی قیام مسلحانه مردم کامپوچیا، کشور آزادشد و «شورای انقلابی خلق» به‌حکومت‌دست یافت. اینک دستاوردهای موفقیت‌آمیز خلق کامپوچیا، باید در پرتو این تجاوزات و ویرانگری‌های امریالیسم آمریکا و ماتوئیست‌های چینی و کامپوچیایی بررسی شود: شهر پنومپن، پایتخت خالی از سکنه رژیم تبهکار پول‌پوت، سیمد از بازسازی، پذیرای

زندگی نوین در کامپوچیا

۴۰۰۰۰۰ شهروند شده و باوجود دشواریهای بسیار، ده‌ها کارخانه، فرودگاه، خطوط راه‌آهن، خدمات مراسلاتی و دیگر تسهیلات ضروری ایجاد گردیده است.

خلق کامپوچیا در زمینه اقتصادی نیز کامیاب‌های گرانقدری بدست آورده است. دولت خلقی امرهای مهم اقتصادی را در عرصه صنعت، تجارت خارجی، بانکداری، ترابری و دیگر شاخه‌های کلیدی اقتصاد در اختیار دارد. اکنون با اجرای برنامه ضربتی تربیت کادر ملی در زمینه بانکداری، نظام پولی کشور احیاء گردیده است.

چرخهای تولید فعالیت خویش را در شرایطی آغاز کردند که طبقه کارگر مرکب‌بارترین

ضربات را از ناحیه بولپوتیست‌ها متحمل شده بود. برای نمونه ۹۰ درصد کارگران راه‌آهن و هتد در صد کارگران نساجی کشته یا نابود شدند. از اینرو کشور، از جهت نیروی کار ماهر و مواد خام، با کمبود جدی روبرو بود. یا اینحال، بیش از پنجاه واحد صنعتی‌بازسازی و آغاز به تولید کرده‌اند. سال گذشته ۲۹ میلیون کیلووات‌ساعت برق، در حدود ۳۰۰۰۰۰۰ تن آرد و ۱۲۵۰ تن صابون تولید شده است.

در گستره کشاورزی نیز پیشرفت‌های چشمگیری صورت گرفته است. سال گذشته، محصول يك میلیون هکتار اراضی زیر کشت برداشت شد. محصول برنج نسبت به سال ۱۳۵۷ دوپست و پنجاه درصد افزایش تولید نشان میدهد.

در آموزش و فرهنگ زوال‌یافته کشور، اصلاحات بنیادی صورت گرفت. پس از ۴ سال تعطیل مراکز آموزشی و بازگشایی مجدد آنها، در سال ۱۳۵۸-۱۳۵۹ با فراخوان ۱۵۶۰۰ آموزگار و کادرهای بتازگی تربیت‌شده، يك میلیون دانش‌آموز به بیش از ۱۳ هزار کلاس آموزش دوران ابتدایی راه‌یافتند. مدارس متوسطه و دانشکده‌ها هم شروع به تعلیم و تربیت جوانان و نوجوانان کردند.

جیرگی بر مفضلات و درمان زخم‌های تن و جان ۴ میلیون انسان، که دوزخ ماتوئیسم را پشت‌سر نهاده‌اند، تلاش‌های سرگرمی را می‌طلبد. در شرایط دشوار کمبود مواد غذایی و نیازهای اولیه و فقدان بهداشت و درمان، رسیدگی به وضع اسفناک کودکان، بویژه ۷۰ درصد کودکان بی‌سرپرست، تدابیر انعلاهی را ایجاب میکرد. دولت انقلابی خلق کامپوچیا گامهای مهمی در این‌سمت برداشت. برای کودکان بی‌سرپرست پرورشگاه تأسیس گردیده

و در سایه کمکهای انترناسیونالیستی، کلاسهای دانشکده پزشکی پنومپن، با همتد دانشجویان آغاز به کار کرد. بیش از ۲۰۰۰ بیمارستان و مراکز خدمات درمانی در شهرها و روستاها ایجاد گردید.

مردم کامپوچیا هم‌زمان با این‌پیروزی‌های استقلال‌آفرین، با توطئه‌ها و تحریکات مسلحانه دست‌پروردگان برتری‌طلبان چین و امریالیسم آمریکا نیز روبرو هستند. امریالیست‌های آمریکایی و برتری‌طلبان چین از طریق مسلح-ساختن و ترس‌گز ۴۰ تا ۷۰ هزار مزدور بولپوتیست در مرز تایلند - کامپوچیا، به کانسون داغ تشنج‌فزایی در منطقه جنوب شرقی آسیا دامن می‌زنند.

هم‌روند با عادی‌شدن زندگی کشور و شالوده‌ریزی نظام حکومتی، کامپوچیا در تدارک شرایط ضرور برای شرکت وسیع مردم در انتخابات عمومی مجلس ملی، بر گزینی هیئت عالی قانون‌گذاری و هیئت‌های اداره‌کننده ملی بپس می‌برد. بزودی بحث همگانی پیرامون طرح نخستین قانون اساسی، که از آن‌جمله بر مدیریت اقتصاد برنامه‌ریزی‌شده سوسیالیستی تأکید دارد، آغاز میشود.

خلق کامپوچیا، در پرتو کمک‌های انترناسیونالیستی، با گامهای تندپو، بر واپس‌ماندگی‌های موجود غلبه میکند. در این رهگذر، یاری‌های بسوق اتحاد شوروی و ویتنام سوسیالیستی با ارسال جمعا ۴۲۰۰۰۰ تن مواد غذایی نقش تعیین‌کننده در سرزوش کشور داشت.

بدینسان همبستگی جامعه کشورهای سوسیالیستی و نیروهای صلحدوست و مترقی جهان با خلق کامپوچیا، ضمانت مطمئن کامیابیهای چشمگیر در راه ساختمان سوسیالیسم در کامپوچیا است.

به‌توصیه جبهه ملی آزادیبخش السالوادور: مردم السالوادور برای يك قیام عمومی آماده میشوند

نیروهای جبهه آزادیبخش «فراپوندومارتی»، متشکل از نیروهای رژیمده انقلابی السالوادور، دژی حملات گسترده يك‌هفته‌ای، اخیر خود علیه ارتش مزدور السالوادور، يك هوایمای نظامی رژیم راه‌آه-روستاییان بیگناه را مورد بمباران قرار می‌داد. سرنگون کردند. پارتیزانهای السالوادور نیز در شمال کشور، ضمن دفع حملات نظامیان السالوادور، که بوسیله مستشاران آمریکایی رهبری می‌شدند، ضربات شکننده‌ای به بیگانهای ارتش وارد آوردند.

از سوی دیگر، سازمان مذهبی السالوادور چنایات رژیم دست‌نشانده کشور علیه مردم بیگناه را محکوم و اعلام کرد:

«مردم حق دارند علیه یعداتی اقتصادی و سیاسی، سر به شورش بردارند.»

در این میان، رادپوی مخفی جبهه آزادیبخش ملی «فراپوندومارتی» به مردم توصیه کرد که برای يك قیام عمومی آماده شوند. این توصیه در حالی است که مزدوران سوموزا، دیکتاتور معدوم نیکاراگوئه، برای کمک به ارتش رژیم دست‌نشانده السالوادور، وارد این کشور شده‌اند. همچنین در پی کشته‌شدن چند آمریکایی در السالوادور، پارامی از محافل آمریکای لاتین گفتند:

«گروههای تروریستی دست‌راستی میخواهند با این اقدامها مداخله نظامی مستقیم آمریکا را در جنگ داخلی کشور توجیه کنند.»

آغاز کار کنفرانس مربوط به استقلال نامیبیا در ژنو

کنفرانس مربوط به استقلال نامیبیا، در ژنو، کار خود را آغاز کرد. گورت‌والدهایم، دبیرکل سازمان ملل در سخنرانی خود اظهار امیدواری کرد که این کنفرانس راه را برای استقلال نامیبیا باز کند. در این کنفرانس سازمان خلق آفریقای جنوب غربی (سواپو)، تنها نماینده قانونی خلق نامیبیا، و نمایندگان آفریقای جنوبی و نیز نمایندگان از سازمان ملل متحد حضور دارند. رژیم آفریقای جنوبی نیز دست‌نشانده‌گان خود را در نامیبیا بعنوان «احزاب داخلی کشور» وارد کنفرانس کرده است.

سواپو اعلام کرده‌است که در این کنفرانس تنها آفریقای جنوبی را برسیست می‌شناسد. رژیم نژادپرست آفریقای جنوبی از ابتدای کار کنفرانس تلاش‌خود را برای به‌شکست کشاندن کار آن آغاز کرده است.

کمک‌های نظامی سادات به «مبارزان» افغانی افزایش یافت

تازیک و دیگر اقزاد جنگی تحویل رهبران «مبارزان» شد. براساس اطلاعات رسیده، سادات از اوایل دی‌ماه اسنل آغاز فعالیت‌برای جمع‌آوری پول جهت خرید و تحویل جنگ‌انزار به «مبارزان» افغانی را اعلام کرده است.

رویدادهای جهان

سامرین رهبر کامپوچیا: کرسی کامپوچیا در سازمان ملل متحد باید به نمایندگان واقعی مردم کامپوچیا سپرده شود

نماینده لاتونس در سازمان ملل متحد: مسخره است که کرسی کامپوچیا در اختیار جنایتکارانی که تحت تعقیب هستند، قرار گیرد.

نماینده لاتونس در سازمان ملل متحد، در پیامی برای گورت‌والدهایم، دبیرکل این سازمان، اقدامهای دارودسته خون‌آشام پول‌پوت - ینگساری راه، که با حمایت امریالیسم آمریکا و ماتوئیست‌های یکن، میخواهند خود را بعنوان نمایندگان قانونی (!) مردم کامپوچیا جایزند، شدیداً محکوم کرد. نماینده لاتونس گفت:

«افرادی که بهت قتل‌عام ۴ میلیون تن از هموطن خود بعنوان جنایتکاران بزرگ تاریخ تحت تعقیب هستند، مسخره است که خود را نماینده همان مردم جایزند.»

نماینده لاتونس افزود:

«باید تعابیر مقتضی اتخاذ شود تا شورای انقلابی خلق کامپوچیا تنها نماینده قانونی مردم این کشور، بتواند این نمایندگی را در سازمان ملل متحد اعمال کند.»

در همین حال، هنگ‌سامرین، رهبر کامپوچیا، در تعلق بناسبت دومین سالگرد پیروزی خلق کامپوچیا بپس دارودسته جنایتکار پول‌پوت - ینگساری، گفت:

«بزودی انتخابات عمومی در سرتاسر کشور برگزار می‌شود. وی تأکید کرد:

«طرح قانون اساسی جدید در دست تهیه است و برای بحث در سرتاسر کشور مقرر می‌شود.»

هنگ‌سامرین همچنین افزود:

«کامپوچیا خواهان روابط حسن‌همجواری با تایلند و دیگر کشورهای آسیای جنوب‌شرقی است و مایل است این منطقه به منطقه صلح تبدیل شود.»

هنگ‌سامرین در تعلق خود، برای چندمین بار تأکید کرد:

«کرسی کامپوچیا در سازمان ملل متحد باید به نمایندگان واقعی مردم این کشور سپرده شود.»

برقرار باد اتحاد همه نیروهای ضد امریالیستی و دمکراتیک ایران در جبهه متحد خلق

نامه مردم از گان مرکزی حزب توده ایران

دارنده امتیاز و مدیر مسئول: منوچهر بهزادی

خیابان ۱۶ آذر شماره ۶۸ (دفتر نامه مردم) هنوز در اختیار نامه «مردم» نیست

NAMEH MARDOM

No. 415
10 January 1981

Price:

West-Germany	0.80	DM
France	2	Fr.
Austria	8	Sch.
England	20	P.
Belgium	10	Fr.
Italy	350	L.
U.S.A.	40	Cts
Sweden	1.50	Skr.

خوانندگان گرامی نامه «مردم» و همه مقاصد دولتی و غیر دولتی میتوانند به آدرس زیر یا نامه «مردم» مکاتبه کنند:

صندوق پستی ۴۱/۳۵۵۱ منطقه ۱۴ پستی تهران